

نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 27

سری سوم، شماره 27

Sept. 2014

شهریورماه 1393

The Organization for Emancipation of Women

نشریه سازمان رهایی زن شماره 27

جامعه رهایی معیار زن رهایی

RahaiZan.Org



سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati

Email: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضایی

Email: shararehzeaei.p@googlemail.com

Managing editor: Sharareh Rezaei

## عناوین

سازمان رهایی زن	تسلیمت به خانواده رفیق توفیق خوانچه زر	آوارگی، ترور و وحشت هزاران زن و کودک حاصل برافرای حکومت اسلامی	مژگان حاصلی
پریسا صفرپور	سکوت در برابر خشونت خانگی یعنی لطفاً به آزار من ادامه دهید	نقش حقوق زن بر بدنش در جمهوری اسلامی	نسیم ملایی کنمی
مهدی زاغیان	موضوع همجنسگرایی در کتب آسمانی	فمنیزم، ناسیونالیسم و جنبش مسلحانه زنان کوبانی	شراره رضایی
مژگان حاصلی	دیوار جدایی	از لنی ریفتشمال تا حاتمی کیا	مصاحبه آزاد عزیزیان با بصیر نصیبی
مرضیه آدمی	مشکلات و معضلاتی که مسنولان برای ناپودی مملکتشان ایجاد کرده اند	جمهوری اسلامی سرسلسله اسلام سیاسی	فرشته نظام آبادی
میترا پورشجری	زندان در زندان	رنجنامه زنان قربانی در حادثه پغمان	سحر صامت
مژگان حاصلی	روزهای گمشده تقویم!	تشکر از مینو همتی	بنیاد پژوهش های زنان در ایران
	اجتماعی: فروش زنان به عنوان عروس به مردان دولت اسلامی	ترس از قدرت رسانه ها در سرنگونی رژیم اسلامی ایران!	شاهین کاظمی
	صفحه خبری	نوشته ای کوتاه	فرشته نظام آبادی
	صفحه اطلاعات و مشخصات تماس با رهایی زن و پخش برنامه های تلویزیونی	تسلیمت مرگ ناباورانه زودهنگام کارگر خستگی ناپذیر رفیق توفیق خوانچه زر	دبیا علیخانی

باتوجه به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگویی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضاً این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم تا در پاسخگویی به این نظرات کوشا باشند.

مینو همتی

با نشریه رهایی زن همکاری کنید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی و..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را به

Markazi@RahaiZan.org

آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.

**آواره گی، ترور و وحشت هزاران زن و کودک حاصل برقراری حکومت اسلامی عراق و شام  
مژگان حاصلی**

مینو همتی در گفتگو با مژگان حاصلی فعال حقوق زنان و خبرنگار در سوئد به تاریخچه گروه تروریستی اسلامی داعش می پردازد.

این برنامه از طریق کانل یک ماهواره در روز 15 ماه اوت بسوی ایران، خاورمیانه، اروپا و آمریکای شمالی پخش گردید.

گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، یکی از افراطی ترین گروه های اسلامگرا در منطقه خاورمیانه ست که به سرعت در حال جمع آوری نیرو و طرفداران خود از سراسر جهان می باشد.

در این برنامه قصد داریم با یکی از فعالین حقوق زنان، خبرنگار و برنامه سازان رادیویی پیرامون این گروه افراطی و اقدامات آن ها، اهدافشان و بخصوص در زمینه زنان و کودکان صحبت هایی داشته باشیم. مژگان عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

**رهايي زن:** لطفا در مورد این گروه (داعش) و چگونگی بوجود آمدن آن توضیح بدهید؟

**مژگان حاصلی:** پیرامون شکل گیری این سازمان که بعدها خود را "خلافت اسلامی" و یا "دولت اسلامی در عراق و شام" خواند، عنوان شده است که این گروه در سال ۲۰۱۳ از به هم پیوستن دو گروه "جبهه النصره" و "دولت اسلامی در عراق" بوجود آمد. گفته می شود که "داعش" ابتدا برای مقابله با تهاجم آمریکا علیه عراق از درون گروه "توحید و جهاد" که نهضت مقاومت در عراق است بوجود آمد.

همچنین در ابتدا گروهی از نیروهای مسلح عراق در اکتبر ۲۰۰۶ "ابوعمر البغدادی" را به عنوان رهبر خود معرفی کردند و از آن پس بود که این گروه مسوولیت بسیاری از حمله های تروریستی را بر عهده گرفت.

عراق هر لحظه به تجهیز بیشتر قوای خود می پردازد. در حال حاضر در میان شبه نظامیان این گروه، مسلمانانی از کشورهای گوناگون، از شمال آفریقا و کشورهای حاشیه خلیج فارس، همچنین برخی اروپایی ها یا آمریکایی هایی که به اسلام گرویده اند در حال جنگ و نبرد هستند.

**رهايي زن:** پیرامون قوانین این گروه در ارتباط با دستورختنه زنان شنیده ایم لطفا در این مورد صحبت بفرمایید. (بخصوص در زمینه دستور ختنه زنان ۱۱ تا ۴۲ ساله)

**مژگان حاصلی:** بر اساس گزارش اخیر سازمان ملل متحد "دولت اسلامی عراق و شام" در موصل دستور ختنه زنان ۱۱ تا ۴۲ ساله را صادر کرده است. ژاکلین بادکوک، یکی از مقامات سازمان ملل، ضمن تأیید این خبر، گفت: این حکم بی سابقه داعش، باعث نگرانی بسیار است.

این گروه اسلام گرا برای تردد زنان نیز در شهرهای تصرف شده احکام لازم الاجرای سختی را وضع کرده است.

چندی پیش گزارشی از سوی سازمان فعالان حقوق بشر سوریه منتشر شد که داعش در این کشور دفتری گشوده تا امکان آشنایی افراد خود با زنان مایل به ازدواج را فراهم کند.

دیدهبان حقوق بشر سوریه به خبرگزاری فرانسه گزارش داده است که گروه داعش، مرکزی در شهر الباب باز کرده تا زنان "دم بخت" بتوانند با اعضای داعش باب آشنایی باز کنند. این دفتر واقع در شمال غربی استان حلب است و زنان مجرد یا بیوه می توانند به آنجا مراجعه کنند، نام و نشان خود را بدهند تا مردهای داعش به سراغ آنان رفته و آنان را دعوت به ازدواج نمایند.



از ده هزار نفر عضو مسلح دارد و از سوی دیگر در حال جذب نیرو از سراسر دنیا بخصوص از میان نو اسلام گرایان افراطی می باشد که دامنه آن از کشورهای چون فیلیپین گرفته تا قلب اروپا و آمریکا پیشرفته است.

**رهايي زن:** درمورد اهداف این گروه و محل تامین هزینه های آن ها هم لطفا توضیح بدهید.

**مژگان حاصلی:** هدف "داعش" مبارزه برای برپایی حکومتی اسلامی است که دایره اقتدار آن از عراق تا سوریه باشد و از آنجا به سایر نقاط دنیا. این گروه چندی پیش نقشه ای را منتشر کرد که در آن قلمرو حکومت اسلامی خود را در آینده نشان می داد که بخش هایی از ایران و حتی اروپا را در خود گنجانده بود.

در ارتباط با حامیان مالی "داعش" گمانه زنی های بسیاری وجود دارد، از جمله این که "داعش" هزینه های خود را از طریق کمک های مالی قطر و عربستان سعودی تامین می کند اما هم اینک با پیشروی های این گروه و تسلط آن بر منابع مالی و ثروت های فراوان در شهرهای

از سوی دیگر در سال ۲۰۱۱ شاخه "دولت اسلامی عراق" در سوریه به نام "جبهه النصره لاهل الشام" شکل گرفت و پس از آن بود که ابوبکر البغدادی در سال ۲۰۱۳ "داعش" را از به هم پیوستن "دولت اسلامی در عراق" و "جبهه النصره" به اطلاع رساند.

هم اکنون داعش هم زمان بر علیه دولت بشار اسد در سوریه و ارتش عراق در ستیز است، اما آنچه که در این میان پیش از بیش نمود پیدا می کند، ستیز و حملات سهمگین به مردم عادی در مناطق مختلف تحت کنترل این سازمان است. اقدامات وحشیانه ای که از سوی این گروه در عصر حاضر صورت می گیرد پیش از هر چیزی از توجیه اعتقادی آنان نشأت می گیرد که به آنها حق حاکم بودن بر جان و زندگی سایر افراد غیر هم دینشان را به بدترین شکل خودپسندی نشان می دهد.

**رهايي زن:** عضو گیری داعش به چه نحوه و از چه طریقی صورت می گیرد؟

**مژگان حاصلی:** به گزارش مراکز امنیتی، این سازمان، بیش

عراق، به خبرگزاری رویترز گفته است: در کنار کودکان نگون بخت، شماری از زنان نیز بدست تروریستهای "داعش" در این قبرهای دسته جمعی زنده به گور شده اند.

در این ارتباط "داعش" تهدید کرده بود که اگر ایزدی ها مانند مسیحیان موصل، قرائت این گروه از اسلام افراطی را نپذیرند، کشته می شوند، پرداخت جزیه و قبول فرامین این گروه نیز یکی از راه های نجات کافران ( از دیدگاه اعتقادیشان ) خواهد بود.

**رهایی زن:** درمورد فعالیت های که از طرف فعالان زنان در این شرایط صورت گرفته است بفرمایید.

**مژگان حاصلی:** در این مورد تلاش ها و اعتراض های بسیاری صورت گرفته است اما یکی از نکات قابل ستایش در این مورد حضور افراد و همچنین زنانی است که از میان مردم از سایر نقاط عراق مانند اقلیم کردستان به نجات و یاری آوارگان در کوه ها و بیابان ها رفته اند و همچنین در مبارزه ی با داعش هستند.

روبنده به عنوان حافظ زنان و دختران یاد می شود.

**رهایی زن:** درمورد آخرین اخبار و گزارش ها پیرامون اقدامات این گروه بفرمایید.

**مژگان حاصلی:** اما شرایط اسیران یا مردمان غیر هم دین این گروه متأسفانه از بدترین فجایع انسانی عصر حاضر است. وزیر امور حقوق بشر عراق یکشنبه نوزدهم مرداد ( دهم آگوست )، گفته است که در جریان حمله نیروهای دولت اسلامی، "داعش" در بخش هایی از شمال عراق، دستکم پانصد نفر از ایزدی های عراقی کشته شده اند.

آوارگی، اسارت خانواده های گریزان از ترس مرگ و فروش زنان و دختران در بازارشهرهای مختلف به عنوان غنایم جنگی، تنها گوشه ای از این موارد بوده است، به گزارش رویترز نیروهای "دولت اسلامی عراق و شام" افراد بسیاری را که گروگان گرفته بودند، به قتل رسانده اند و بسیاری از کودکان "زنده زنده" به قبرهای دسته جمعی انداخته شده اند. محمود شیعه السوداني، وزیر امور حقوق بشر در دولت

در فرمان داعش آمده است: "این به معنای محدودیت برای آزادی او نیست، بلکه مانع افتادن آنها در ورطه هرزگی و تحقیر می شود و اجازه نمی دهد که مانند نمایشی در معرض نگاه دیگران باشند". داعش همچنین دستور - العمل هایی در ارتباط با پوشش و حجاب کامل زنان و دختران منتشر کرده است.

بر این اساس دست ها و پاهای زنان و دختران باید کاملاً پوشیده باشد و آنها باید از لباس های لباس های گشادی استفاده کنند که به اندامشان نچسبد. استفاده از عطر نیز برای زنان و دختران ممنوع شده است و همچنین آنها حق پیاده روی بدون همراهی با مردان سرپرست خود را ندارند.

فرمان داعش تاکید می کند: "هر کسی که به این وظایف عمل نکند و اغوا شود، محاکمه می شود و مستوجب مجازات شدید خواهد بود تا جامعه از آسیب آن مصون بماند و بتواند الزامات دینی را به جا آورد و از خود در برابر فسق و فجور

**رهایی زن:** در مورد سایر فرامین تند این گروه در شهرهای تحت تصرف خود پیرامون زنان و حجاب بفرمایید. ( به طور مثال الزامی کردن حجاب برای دانش آموزان پنجم ابتدایی به بالا)

**مژگان حاصلی:** همچنین از دیگر اقدامات و احکام این گروه الزامی کردن حجاب برای دانش آموزان پنجم ابتدایی به بالا است، البته جالب است بدانید گزارش این خبر با این متن که "داعش" از ورود دانش آموزان غیر محجبه به مدارس ممانعت به عمل می آورد، در سایت خبرگزاری فارس در ساعت ۲ بامداد چهارشنبه هشتم مرداد به وقت تهران حذف شد.

همچنین استفاده از روبنده یکی دیگر از دستورات داعش به زنان سرزمین های تحت اشغالش بود. داعش به زنان و دختران شهر موصل عراق هشدار داد که اگر از روبنده استفاده نکنند به شدت مجازات خواهند شد. گزارش روزنامه بریتانیایی گاردین در روز جمعه، سوم مرداد، بخش هایی از فرمان داعش به مردم موصل را منتشر کرده است که در آن از

## نقض حق زن بر بدنش در جمهوری اسلامی ایران

نسیم ملایی کنمی



حجاب اجباری : نوع پوشش فقط به خود فرد بر میگردد و در چارچوب حقوق اولیه هر فرد بر بدنش قرار دارد اما زن ایرانی برای نوع پوشش خود هیچ اختیاری ندارد در صورتی که داشتن یا نداشتن حجاب، انتخابی و کاملاً شخصی است ، برخوردارهایی که در سطوح مختلف با موضوع حجاب میشود حاکی از این است که " حق زن ایرانی بر بدنش و قدرت وی برای انتخاب نوع پوشش " آخرین ملاکی است که در قواعد و سیاست های مربوط به حجاب در نظر گرفته میشود . برخی علما حجاب را به یک اصل مسلم اسلامی تبدیل کرده اند آنهم به این دلیل که بدن زن را عامل فتنه و فساد میدانند و مردان را چون حیواناتی که نمیتوانند خودشان را کنترل کنند . ماده 638 قانون مجازات اسلامی: "زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد."

آیا واقعا گناه اعدام های به اصطلاح انقلابی اسلامی، سرکوب مردم کردستان، اعدام های گروهی سال 1367، آزار و شکنجه زندانیان سیاسی، سرکوب جنبش های مردمی، تاراج چند صد هزار میلیارد تومانی و صد ها جرم و جنایت دیگر از نداشتن حجاب کمتر است؟



**"فمنیزم، ناسیونالیسم و جنبش مسلحانه زنان کوبانی"**

شراره رضایی

که به دلیل یک عمر مبارزه اشان بدست آورده اند و نمی خواهند آن حداقل ها را هم از دست بدهند، امروز بپا خاسته اند و اسلحه به دوش کشیده اند تا از حرمت انسانی شان دفاع کنند. این زنان مستقل با هر تفکر و دیدگاهی میخوانند از زندگیشان، از فرزندانشان، از حق شان دفاع کنند و این شجاعت و اراده ی استوارشان ستودنی ست. زنانی که نمی خواهند اجازه دهند تا تاریخ سیاه اسلام با به بردگی گرفتن و فروش زنان بار دیگر تکرار شود.

بشرکت داوطلبانه زنان کوبانی علیه این سنت قد علم کرده است. گیریم بخشی از این زنان به تفکر ناسیونالیستی الوده باشند، اما امروز بحث بر سر این نیست. شرایط امروز برای این زنان و جنگ شان جنگ مرگ و زندگی است. آنها تصمیم گرفته اند علیرغم ارتش پیشمرگان مرد احزاب، خود مستقلا سر پای خود بایستند و به دشمن بگویند که گوسفندان بی آزاری نیستند که آنها سرشان را ببرند و یا به میدان های خرید و فروش فرستند. این را از زبان خود



زنان و دختران مسلح کوبانی می شنویم که ما نمی خواهیم تسلیم داعش شویم. دنیایی را نمی خواهیم که آنها ما را به بردگی قرون وسطی برگردانند. همین اراده و تصمیم زنان کوبانی **صرفنظر از اینکه در آینده کدام نیروی می برد یا می بازد نقطه عطفی تاریخی در تاریخ مبارزه زنان برای آزادی و برابری است.**

جنبش زنان کوبانی و تحرک بیشتر زنان به مسلح شدن صرفا امری مربوط به زمان حال نیست و ریشه در اعتراض تاریخی زن به موقعیت فرودستش دارد. شاید گفته شود که زنان قبلا هم در میان پ ک ک یا حزب برادرش در سوریه مسلح شده اند. ولی نباید فراموش کنیم که در سنت پ ک ک زنان و دخترانی که در

در بستر خشونت و وحشی گری، در سرزمین آتش و خون و جنگ، در میان شعله های خشم جهل و دین، در دشت آسمان مه گرفته دلتنگی ها از سرهای بریده و جان دادن و آرزوها و رویاهای نهفته در سینه، زنان و دخترانی برای برابری و انسانیت می جنگند. زنان کوبانی نامی که این روزها بر سرزبان ها افتاده و دیدگاه های مختلفی را در مخالفت یا موافقت در مسلح شدن زنان برانگیخته است.

داعش با تفکری پلید و ارتجاعی و ضد انسانی، انسان ها را سر می برد و حکم مثله کردن هزاران زن را صادر کرده و صدها زن را به اسارت و بردگی در خیابان ها به حراج گذاشته است، داعش قصد دارد بربریت را جایگزین انسانیت کند و از هیچ گونه درنده خوبی نه تنها ابایی ندارد بلکه سرهای بی تن را بدست کودکان در معرض نمایش قرار می دهد تا ترس و وحشت در دل جامعه بیافکند.

مادرانی در سنین متفاوت و تا 40 سال و بالاتر باچهره هایی خسته از ستم و نابرابری و دختران جوانی که با کوله باری از آرزوها، برای ساختن دنیایی بهتر یا حداقل از دست ندادن قوانین نسبی انسانی که تاکنونی

سازمان گریلایشان مسلح می شدند دیگر زن نمی ماندند. اینها دیگر از همه بروزات زنانگی باید دست می شستند. دختران گریلا میبایست مرد می شدند. آنها حق عاشق شدن و ازدواج و بچه دار شدن نداشتند. با پیوستن دختران و زنان به صف پ ک ک زنانگی و همه چیز ممنوع بوده و همه بدون ابراز وجود جنسیتی گریلا و فداییان وطن می شدند. مردسالاری و درجه دو بودن زن در سنت ناسیونالیسم کرد اگر بمانند داعش امروز نیست اما هیچ تفاوتی با سنن مذهبی چون جمهوری اسلامی ندارد.

بنا بر این حرکت امروز زنان بویژه در کوبانی در این سنت نیست. آنها دخترانی اند که چه بسا نامزد و یا معشوقی دارند و یا مادرانی اند که همسر و فرزندانشان را دارند. **این ها فداییان وطن نیستند بلکه مدافعان آزادی و حرمت انسانی خود هستند.**

این ها با چشمان خود می بینند که چگونه صدها زن ایزدی را به اسارت برده و در بازار بردگی به فروش می رسانند. در دل این حرکت ایده و تفکر و تصمیم و اراده ای وجود دارد که می گوید: ناجی ای وجود ندارد. ما خود باید به دفاع از خود برخیزیم.

فمینیست های نازک دل و مخالف خشونت نمی توانند درد این زنان را و نکبتی را که بقیه شان را گرفته بفهمند. و چپ ها بی که از زاویه مخالفت با ناسیونالیسم این حرکت را مفت و مجانی به آنها می فروشند خود کسانی بی اراده و بی ربط به این حرکت اند. یا از دور دستی بر آتش دارند و از آنجا که خود کاری نمی کنند، هر حرکت انقلابی و ازادیخواهانه را دودستی به جریاناتی که درگیراند تقدیم می کنند.

اگر فردا زنان مسلح کوبانی یا داوطلبان مسلح شدن در میان زنان منطقه ناچار به تسلیم در برابر سنت ناسیونالیسم کرد شوند خود هیچ تقصیری ندارند. ان زمان منتقدین از موضع چپ است که باید سرشان را پایین بیندازند که سراغ این حرکت نرفته و به ارتقای افق سیاسی شان کمک نکرده اند.

نهایتاً حضور زنان آزادی خواه در میدان های مبارزه، همواره انگیزه ای قوی ست برای امکان در هم شکستن مناسبات نابرابر و زن ستیز. باید از هرگونه امکانی برای ارتقای سطح آگاهی و توان مبارزاتی و امروزه توان نظامی این زنان علیه توحش داعش و تحجر و هرگونه فرقه گرایی و قوم پرستی و زن ستیزی و ارتجاع کوشید و تلاشی خستگی ناپذیر را انجام داد. تمام زنان و هرکس که مدعی مدافع حقوق زن است باید از مبارزات این زنان دفاع کند و به پشتیبانی از آنان بپیوندد. باید از این زنان آموخت.

20/08/2014 (29 مرداد 1393)

### از لنی ریفنشنال تا حاتمی کیا

مصاحبه آزاد عزیزان (فعال در حوزه هنر و سینما) با بصیر نصیبی (از بنیان گذاران سینمای آزاد ایران)



معنویات را رشد و گسترش خواهند داد. از سال ۱۹۲۰، یعنی قبل از رشد نازیسم، تغییراتی انجام گرفته بود که برای تسلط نازیها زمینه سازی کرده بود. همچنانکه قبل از استقرار جمهوری اسلامی، یعنی در زمان رژیم سلطنتی، تبلیغات مذهبی رشد کرده بود و به تدریج از مردم دعوت می کردند که راه نجات دین است و بخشی از روشنفکرانی نیز با آنها همراه شده بودند. به طور مثال جلال آل احمد که کتاب «خسی در میقات» را نوشت و همچون سمی بود که به ذهن جوانان خام اندیش فرو ریخته شد. بخشی از جامعهی روشنفکری تحت عنوان عرفان یا هر گرایش دیگری، گرایش های مذهبی را رشد می دادند. در اینجا هم زمینه ها از هر نظر برای استقرار یک نظام مذهبی در حال آماده شدن بودند. آخوندها مبلغ تکر مذهبی بودند، در حالی که پول شان را از ساواک می گرفتند. حتی زمانی که «سینما رکس» (آبادان) هم آتش زده شد، آخوندها حکومت را به دست نگرفته بودند و برای این که حکومت متزلزل شاه را زودتر سرنگون کنند، فاجعهی سینما رکس آبادان را خلق کردند. این ها بدان معناست که یکباره و ناگهانی حکومت جمهوری اسلامی مستقر نشد، بلکه از مدت ها پیش زمینه هایش فراهم شده بود.

مسئولان و مقامات این دو دوران را کنار هم گذاشتم و از دل همین کار یک پژوهش درآمد. در جایی در همان سال ها هیتلر می گوید: «در ارتباط با آلودگی زدایی سیاست حیات عمومی مان، دولت دست به مبارزهی منظم، برای بازگرداندن سلامت مادی و معنوی خواهد زد. کل نظام آموزشی، تئاتر، سینما، ادبیات، مطبوعات، رادیو و همه ی این ها به عنوان وسیله ای برای رسیدن به این هدف به کار خواهند رفت. آنها برای کمک به حفظ ارزش های جاودانی که جزء سرشت مردم ما هستند، مهار خواهند شد.»

دقیقاً مقامات جمهوری اسلامی هم در آن زمان همین چیزها را می گفتند. اگر واژه های «امت» و «اسلام» را وارد این فرمان نامه ی هیتلر بکنیم، مشاهده می کنیم این سخنانی است که در دوران حکومت جمهوری اسلامی هم گفته می شوند. هیتلر راه نجات از انحطاط ذاتی آلمان در دوران «جمهوری وایمار» را انقلاب ناسیول-سوسیالیست ها می دانست و اعتقاد داشت که همه ی افراد و سازمان ها باید تحت یک کنترل واحد درآیند، چون آلمان ها، پاسدار جهان بینی آلمان بودند و قدرت و اراده ی «پیشوا» باید این آلودگی ها را پاک می کرد. آنها هم وعده می دادند که جامعه را پاک خواهند کرد و اخلاق و

که می خواندم فکر می کردم که حال مطالعه ی کتابی در مورد سینمای جمهوری اسلامی هستم. وجود چنین شباهت هایی سبب شد که من هر آنچه را که می خواندم در کنار هم گذاشته و شروع به یادداشت برداری کنم. از آن طرف هم به طور کلی من در جریان وضعیت سینمای جمهوری اسلامی، مصاحبه ها، گفتگوها، سخنان و کارهای فیلم سازان و مقامات بودم. کنار هم قرار دادن این دو مجموعه در کنار هم در ابتدا سبب تعجب من شد. با کنار هم قرار دادن این دو مشاهده می کردم که تا چه اندازه به هم شبیه هستند. رفتارهای

**آزاد عزیزان:** شما در پژوهشی با عنوان «سینمای آلمان نازی و سینمای جمهوری اسلامی» به مقایسه ی سینمای این دو کشور در این دوره های خاص پرداخته اید. اساسی ترین شباهت ها را در چه چیز دیده اید؟  
**بصیر نصیبی:** این پژوهشی که من در مورد سینمای جمهوری اسلامی و سینمای آلمان نازی انجام دادم، در ابتدا به قصد پژوهش صورت نگرفت. من کتابی در مورد سینمای دوران نازی داشتم، کتابی که سال ها قبل، در دوران پس از انقلاب منتشر شده بودند و به بررسی وضعیت سینما در دوران هیتلر پرداخته بود. به تدریج کتاب را

**آزاد عزیزیان:** همان‌طور که اشاره کردید حکومت جمهوری اسلامی قبل از به قدرت رسیدن‌اش، جنبشی بوده است که در جامعه حضور داشته است. با به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، این حکومت چه برخوردی به هنری مانند سینما داشت؟ آیا سینما را هنری دانست که باید حذف شده و از بین برود؟ یا این‌که همانند آنچه در زمان آلمان نازی وجود داشت از سینما به عنوان ابزاری جهت تبلیغ آرا و نظرات خودش استفاده کرد؟

**بصیر نصیبی:** از جمله تفاوت‌هایی که ناسیونال-سوسیالیست‌ها با جمهوری اسلامی داشتند این بود که آن‌ها با کلیت سینما مشکلی نداشتند، بلکه می‌گفتند که سینما باید در خدمت ایدئولوژی‌شان قرار بگیرد. اما رژیم جمهوری اسلامی به طور کلی با هنر مشکل داشت. در زمان هیتلر «اکستر سمفونی برلین» کار خود را انجام می‌داد، منتها آهنگ‌سازها را به خدمت گرفتند. حکومت جمهوری اسلامی با کل سینما مشکل داشت. در تفکر خمینی سینما فاحشه‌خانه بود و کسانی که در سینما کار می‌کردند در فاحشه‌خانه کار می‌کردند. با این دیدی که این رژیم ارتجاعی داشت، در حقیقت تکلیف همه‌ی هنرها روشن بود. تا به امروز هم مشکل‌اش با موسیقی حل نشده است. حکومت اسلامی با مساله‌ی کار زن مشکل دارد و این مساله در هنر هم خود را نشان می‌دهد.» محسن مخملباف «دستور - العمل‌هایی را صادر فرمود که چه کارهایی انجام دهند که زن نشسته بازی کند. چون اگر زن بیاستد، حرکت اندام‌های وی سبب تحریک مرد می‌شود.

تا به امروز هم نشان دادن ساز و صدای زن در جمهوری اسلامی منع شرعی دارد. بنابراین این‌ها علاوه بر این‌که این تشابه را داشتند که هنرمند باید خود را در آن چهارچوب ایدئولوژی تعریف بکند، اصولن با وجود سینما و ایجاد آن شک بود، چه برسد به گسترش آن. به همین دلیل در همان ابتدا تمام بازیگران را به جرم واهی طاغوتی بودن ممنوع‌الشغل کردند و حتی زندانی کردند و باید توبه‌نامه می‌نوشتند. به طور مثال ایرج قادری چندین بار به دلیل کار در سینما در دوران طاغوت چندین بار توبه کرد. اما پس از مدتی به خمینی قبولانندند که سینما وسیله‌ی تبلیغاتی خوبی است و ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم و پس از آن فتوایی داد که ما با سینما مشکلی نداریم بلکه با فساد در سینما مشکل داریم. از آن پس «محسن مخملباف» در حوزه‌ی هنری مسئول ساخت سینمای اسلامی شد. فیلم‌های اولیه‌ی مخملباف مانند «توبه نصوح» و تمام آن مهملاتی که سر هم کرد، نمونه‌ی سینمای اسلامی بود. اما این به تنهایی کافی نبود، بعد از مدتی فهمیدند که با چنین فیلم‌هایی را نمی‌شود در فستیوال‌ها عرضه کرد، به این دلیل از طرف خود حکومت، «فخرالدین انوار» به عنوان یکی از اولین نمایندگان جمهوری اسلامی به فستیوال‌های جهانی فرستاد تا به تحقیق در این زمینه بپردازد که چه راهیایی برای ارسال سینمای تبلیغاتی خود به فستیوال‌ها دارند و به تدریج بعدها به فستیوال‌ها راه یافتند. این‌ها تصمیم گرفتند که به طور کلی سینما را به دو قسمت تقسیم کنند. بخشی برای داخل

کشور که همان مهملات و جنگ و خونریزی و... با معیارهای سینمای مذهبی ساخته می‌شد و بخش دیگر که مخصوص فستیوال‌ها ساخته می‌شد. زمانی که «خاتمی» وزیر ارشاد بود، این دو بخشی شدن سینما را به نوعی هدایت می‌کرد. وی در مراسم اختتامیه‌ی سومین دوره‌ی شبه جشنواره‌ی فجر می‌گوید: «اکنون در مملکت ماهرمنند واقعی امکان عرضه هنر خود را یافته است. به اعتقاد من چنان‌چه پیام و محتوا نود امتیاز داشته باشد، تکنیک فقط ده امتیاز می‌گیرد. قدم کسانی که حاضرند کار کنند روی چشم، ولی صحنه باید از هنرمندان حزب الهی پر شود. من نمی‌گویم فیلم‌سازان بیابند مقررات، احکام و مسایل اسلامی را مستقیم نشان دهند، ولی کسی که دوربین و قلم به دست می‌گیرد باید با عینک اسلامی به رویدادها نگاه کند.» به نقل از نشریه فیلم شماره 84 و «گوبلز» وزیر ارشاد و تبلیغات عمومی نازی‌ها در سخنرانی خود در ماه مه ۱۹۳۳ می‌گوید: «اگر می‌بینم فیلمی با زمینه‌ی هنری ساخته شده است، به سازنده‌اش پاداش هم می‌دهیم. چیزی که نمی‌خواهم ببینم، فیلمی است که با رژه ناسیونال-سوسیالیست‌ها آغاز و تمام می‌شود این گونه فیلم‌ها را به ما واگذارید. ما بهتر آن‌ها را می‌فهمیم. این دو اندیشه‌ی نزدیک به هم در واقع خطی است که تا امروز هم جمهوری اسلامی آن را دنبال می‌کند. می‌گوید که باید با عینک اسلامی دید. فیلم‌هایی که مسائل اسلامی را مطرح می‌کنند، مطلوب فستیوال‌ها نیستند. تا به امروز هم در سینمای صادراتی جمهوری اسلامی همین خط به پیش برده می‌شود. به طوری که به ظاهر اسلامی نیست، بلکه در ساختار کلی فیلم به شیوه‌ی نامحسوس این اندیشه را وارد می‌کنند. فیلم‌های «مجید مجیدی»

نمونه‌ی این نوع از فیلم‌سازی است و حتی اگر فیلم‌های «اصغر فرهادی» را بشکافیم، باز به این نتیجه می‌رسیم. خاتمی سرخود حرفی نمی‌زند، بلکه خواست‌های جمهوری اسلامی را نمایندگی می‌کند و هدف‌شان باز شدن درجه‌ها به سوی جشنواره‌های جهانی است. این خط مشی‌ای است که تا به امروز هم دارند و بدان عمل می‌کنند. همان‌طور که گوبلز هم همین کار را می‌کرد.

جمهوری اسلامی به تن همه‌ی کارهایش در نهایت لباس قانون می‌پوشاند. در مملکتی که مافیایی اداره می‌شود، قانون و مجلس نمایندگان وجود دارد، رای‌گیری می‌کنند و... در حالی که همه‌ی این‌ها نمایشی بیش نیست. در زمان هیتلر هم برای سانسور قانون تصویب کردند و می‌گفتند که کارهایش متکی به قانون است و پشتوانه‌ی قانونی دارد. در ۱۴ فوریه ۱۹۳۴ قانونی تصویب کردند و سانسور را به دو بخش سانسور مثبت و منفی تقسیم کردند و اعلام کردند که ما از سانسور مثبت حمایت می‌کنیم. در آن زمان گوبلز گفت: «تاکنون سانسور منفی بوده است و از این پس دولت مسئولیت کامل آفرینش فیلم‌ها را خود بر دوش خواهد گرفت. تنها با نظارت شدید می‌توان، فیلم‌های مخالف روح زمان را از پرده دور نگه داشت.»

جمهوری اسلامی هم زمانی که سانسوری اعمال می‌کند از آن به عنوان سانسور مثبت و پاک‌سازی اسم می‌برد. بعد از دوران خاتمی دیگر حتی از کلمه‌ی سانسور نیز استفاده نمی‌کنند و از واژه‌ی اصلاح به جای آن استفاده می‌کنند. تعدادی از کارگردانان هم از سانسور دفاع کردند. «مهرجویی» گفت که سانسور ربطی به خلاقیت ندارد و

ادامه در صفحه 7



جنایات و آدم‌کشی‌های مذاهب و ادیان مختلف در تاریخ بشر، سابقه‌ای طولانی دارد. مذهب هر زمان و در هر مکانی که به قدرت رسیده است مخالفان و دگراندیشان را تار و مار کرده و برای پیروان خود نیز چیزی جز تحمیق و فقر و بی حقوقی به بار نیاورده است. بهترین نمونه‌ای که بشریت قرن‌ها آن را تجربه کرد و هنوز خاطره تلخ و دور آن در اذهان باقی است، قرون وسطی است. قرون وسطی که همه ما کم‌وبیش از فجایع و جنایات غیرقابل وصف آن شنیده‌ایم. جنایاتی که هرگز در پس‌گذر سال‌ها و قرن‌ها فراموش نشده و نخواهد شد. اسلام نیز در آغاز روی کار آمدن خود در 1400 سال پیش، قدرت فراوانی گرفت و با تاخت‌وتاز و لشکرکشی توانست تا اسپانیا نیز پیشروی کند؛ اما با وقوع جنگ‌های صلیبی و تغییر تناسب قوا این پیشروی متوقف شد. سال‌ها اسلام در حاشیه جوامع ماند و به کار تحمیق مردم و اشاعه خرافه مشغول بود؛ اما پس از انقلاب 57 ایران و دسیسه‌های دول غربی برای روی کار آوردن خمینی و مذهبیون در ایران، اسلام سیاسی جان تازه‌ای گرفت و دور تازه‌ای از تعرض به بشریت را آغاز کرد. شاید نمونه سرکار آوردن خمینی برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم شوروی، اولین تجربه غرب برای مماشات با نیروهای ارتجاعی و اسلامی بود. تجربه‌ای که پس‌از آن بارها آن را تکرار کرد. پس از ورود نیروهای شوروی به افغانستان، آمریکا با مجاهدین افغان ساخت تا با شوروی مقابله کند و سال‌ها بعد همین‌ها تبدیل به طالبان و القاعده شدند. در مورد اخیر یعنی گروه تروریستی داعش نیز همکاری‌های دول غربی و آمریکا با تروریست‌ها کاملاً روشن است؛ اما در میان این سلسله نامیوم اسلام سیاسی که در سراسر جهان ریشه دوانده است، جمهوری اسلامی همچنان سرسلسله است. جدای از اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی و سلفی و غیره تمامی تروریست‌های اسلامی در سراسر جهان به جمهوری اسلامی به‌عنوان جاده‌صاف‌کن موج جدید اسلام سیاسی نگاه می‌کنند. قدرت و میزان نفوذ تمامی گروه‌ها و دسته‌جات تروریست اسلامی در سراسر دنیا - از داعش تا طالبان و چچن و غزه و لبنان - به بقا و دوام جمهوری اسلامی گره‌خورده است. چه گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و حماس که مستقیماً مورد حمایت رژیم اسلامی هستند و چه ورژن سنی آن‌ها مانند طالبان و داعش که ظاهراً جمهوری اسلامی با آن‌ها دشمن است. جمهوری اسلامی برخلاف سایر گروه‌های پراکنده اسلامی-تروریستی، حکومتی تثبیت شده و در رأس قدرت است و به همین دلیل ناخواسته پدرخوانده سایر جریان‌های اسلامی است. گشودن گره این کلاف سردرگم که جهان را رو به نابودی می‌برد تنها از تهران و توسط مردم ایران ممکن است. مردم ایران در این مقطع می‌توانند بشریت را از کابوس هولناک اسلام سیاسی نجات دهند. قلب هیولا در تهران می‌تپد و شیشه عمر آن تنها در دستان مردم و جوانان ایران است. انقلاب مردم ایران می‌تواند یک‌بار برای همیشه جهان را از شر پدیده تروریسم اسلامی برهاند. با تشکل و مبارزه سازمان‌یافته می‌توانیم هم خود و هم جهان را آزاد کنیم. این فرصتی است که کمتر در تاریخ برای مردمی روی می‌دهد. از این فرصت تاریخی استفاده کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی مرگ بر اسلام سیاسی  
زنده‌باد آزادی و برابری

### از لنی ریفتش‌تال تا حاتمی‌کیا

مصاحبه آزاد عزیزان (فعال در حوزه هنر و .....)

و پس از وی «عباس کیارستمی» گفت که باعث رشد خلاقیت می‌شود. «بیضایی» هم در جواب وی گفت که ما باید برویم از سانسورچی‌ها سپاس‌گذاری کنیم که با اعمال سانسور سبب رشد خلاقیت شدند. در مهمانی‌ای که مهاجرانی به افتخار دریافت دیپلم افتخار «سمیرا مخملباف» از جشنواره‌ی کن ترتیب داده بود، وی در سخنرانی‌اش گفت: «من فکر نمی‌کنم سانسور کلن بد باشد. به نوعی می‌توان گفت مفید هم هست چون نشان می‌دهد که ما مجبور نیستیم مثل هالیوود فیلم‌هایمان را با سکس و خشونت پر کنیم.»

وقتی که حکومت هیتلر هم مستقر شد، تعدادی از هنرمندان و کارگردانان به وی و سیستم سانسورش خدمت کردند و عده‌ای نیز مجبور به ترک آلمان شدند.

رفتار دیگری که کاملن شباهت دارد، نحوه‌ی نمایش فیلم‌ها است. در زمان هیتلر هم فیلم‌ها دو نوع نمایش داشت. بهترین زمان و مکان را برای اکران به فیلم‌هایی که به تبلیغ ایدئولوژی‌شان می‌پرداخت اختصاص می‌دادند. در جمهوری اسلامی نیز چنین است. درجه بندی‌ای که در سه، چهار سال گذشته دیگر به آن صورت انجام نمی‌دهند، که فیلم‌ها را به صورت، آ، ب و... دسته‌بندی می‌کردند، نه بر اساس ارزشمندی سینمایی کارها، بلکه بر اساس نزدیکی عوامل فیلم به قدرت و حکومت بود. امروز هم همین است. کلیت رژیم با تغییر آنچه به آن رییس جمهور می‌گویند، تغییر نمی‌کند. در جشنواره‌ی فجر امسال هم شاهد بودیم که پس از مدت‌ها به فیلم‌های «کیانوش عیاری» و «رخشان بنی اعتماد» اجازه‌ی نمایش داده و فیلم‌هایشان در جشنواره‌ی فجر نمایش داده شد، اما در نهایت امتیازها به فیلم «چ» ی «ابراهیم حاتمی‌کیا» تعلق گرفت. امروز «لنی ریفتش‌تال» «سینما ایران» «ابراهیم حاتمی‌کیا» است. و هزینه‌ی که برای چنین فیلمی متقبل می‌شوند همان هزینه‌ای است که گوبلز برای فیلم «المپیک» «لنی ریفتش‌تال» متقبل شد. زمانی که لنی ریفتش‌تال وارد اتریش شد، شهردار وین به استقبال وی آمد و گفت که ما افتخار می‌کنیم که این کارگردان بزرگ مهمان ما است و ما میزبان وی هستیم. در این‌که لنی ریفتش‌تال فیلم‌ساز خلاق بود شکی نیست. ولی حمایت آن‌ها نه به دلیل خلاقیت‌اش، بلکه به این دلیل بود که به تبلیغ نازیسم می‌پرداخت. اما زمانی که نازیسم رخت برپست دیگر کسی سراغ وی نیامد و فیلم‌هایش در فستیوال‌ها نشان داده نشد. امروز هم در مورد سینما جمهوری اسلامی این است. معیار نمایش فیلم در فستیوال‌ها بستگی که مرادوات سیاسی این کشورها با جمهوری اسلامی دارد. /



**رنجنامه ی زنان قربانی در  
حادثه ی پغمان  
سحر صامت**

این جا افغانستان است جای که خوشی ها پس از اندکی به غم و عروسی ها با ماتم تبدیل می شود.

این جا افغانستان است جای که هم اموال را به تاراج می برند و هم ناموست را  
این جا افغانستان است جای که چهل و اندی کشور به همراه نیروهای امنیتی کشور نمی توانند امنیت کشور را برقرار کنند تا بتوانی با خیالی نسبتاً آرام گشت و گذار کنی. جایی که پیشروی چشم مردت دسته جمعی با زور صلاح لباس را میدرنند به زور لت و کوب به تو تجاوز می کنند و آنها با دلی پرخون صدای ضجه و ناله های تو را مجبورند بشنوند و خون گریه کنند. جای که پر از تعصبات جنسی، فرهنگی عنعنوی و مذهبی است و همه دم از مسلمانی و غیرت مردانگی می زنند اما تا ناموس مردم را می بینند از خود بی خود شده و ده ها بار به تو تجاوز می کنند. جای که زمانی به تو تجاوز می شود.

مردانت از شدت تعصب و ناموس پرستی گزارش تجاوز به تو را به پولیس نمی دهند و مخفی می کنند که مبدا

آبرویشان در خاطر بیفتد. کشوری که برای حفظ ابرو پس از مراجعه به شفاخانه برای اینکه هویتت افشا نشود و رسانه ها از موضوع تجاوز ناخواسته به تو مطلع نشوند مجبوری با زخم های عمیق شفاخانه را ترک کنی. کشوری که زنانش قربانی سکوت برای حفظ آبروی شوهر، پدر و برادر هستند. کشوری که مجریان قانونش متجاوزین را نه بخاطر تجاوز دسته جمعی به تو بلکه به خاطر سرقت مسلحانه و سو استفاده از یونیفرم پولیس مجازات می کنند. انگار گویی زن هیچ ارزشی ندارد، حس بدی است زمانی که می بینی برای دفاع از تو و ابرویت هیچ جزایی در قانون اساسی کشور تصویب نشده است. آن زمان می فهمی که ارزش مال و پول بیشتر از روح و روان حق تو در جامعه است. تو می مانی و یک دنیا درد و کینه، همه به تو به چشم قربانی می نگرند. تو می مانی و یک دنیا تاریکی و سکوت. سرزمینی که دختر ۱۸ ساله ی مورد تجاوز قرار می گیرد و تا آخر عمر مردانگی مرد دیگر گل نمی کند تا با تو تشکیل خانواده دهد چون تو به صورت ناخواسته و به زور تفنگ ۲ گرم پرده بکارتت را از دست دادی مجبوری این درد را تا آخر عمر تحمل کنی یا به زندگی پر از دارد و مشقت خویش پایان دهی. جایی که تعدادی از مدافعین حقوق بشر برای خود نمایی به جای خواستن حق تو و اجرای عدالت تجمع می کنند و از مجریان قانون خواستار لغو اعدام مجرمین می شوند. آری اینجا افغانستان است و زن جنس دوم و ضعیف.

این جا افغانستان است جای که خوشی ها پس از اندکی به غم و عروسی ها با ماتم تبدیل می شود.

این جا افغانستان است جای که هم اموال را به تاراج می برند و هم ناموست را

این جا افغانستان است جای که چهل و اندی کشور به همراه نیروهای امنیتی کشور نمی توانند امنیت کشور را برقرار کنند تا بتوانی با خیالی نسبتاً آرام گشت و گذار کنی. جایی که پیشروی چشم مردت دسته جمعی با زور صلاح لباس را میدرنند به زور لت و کوب به تو تجاوز می کنند و آنها با دلی پرخون صدای ضجه و ناله های تو را مجبورند بشنوند و خون گریه کنند. جای که پر از تعصبات جنسی، فرهنگی عنعنوی و مذهبی است و همه دم از مسلمانی و غیرت مردانگی می زنند اما تا ناموس مردم را می بینند از خود بی خود شده و ده ها بار به تو تجاوز می کنند. جای که زمانی به تو تجاوز می شود مردانت از شدت تعصب و ناموس پرستی گزارش تجاوز به تو را به پولیس نمی دهند و مخفی می کنند که مبدا آبرویشان در خاطر بیفتد. کشوری که برای حفظ ابرو پس از مراجعه به شفاخانه برای اینکه هویتت افشا نشود و رسانه ها از موضوع تجاوز ناخواسته به تو مطلع نشوند مجبوری با زخم های عمیق شفاخانه را ترک کنی. کشوری که زنانش قربانی سکوت برای حفظ آبروی شوهر، پدر و برادر هستند. کشوری که مجریان قانونش متجاوزین را نه بخاطر تجاوز دسته جمعی به تو بلکه به خاطر سرقت مسلحانه و سو استفاده از یونیفرم پولیس مجازات می کنند. انگار گویی زن هیچ ارزشی ندارد، حس بدی است زمانی که می بینی برای دفاع از تو و ابرویت هیچ جزایی در قانون اساسی کشور تصویب نشده است. آن زمان می فهمی که

ارزش مال و پول بیشتر از روح و روان حق تو در جامعه است.

تو می مانی و یک دنیا درد و کینه، همه به تو به چشم قربانی می نگرند. تو می مانی و یک دنیا تاریکی و سکوت. سرزمینی که دختر ۱۸ ساله ی مورد تجاوز قرار می گیرد و تا آخر عمر مردانگی مرد دیگر گل نمی کند تا با تو تشکیل خانواده دهد چون تو به صورت ناخواسته و به زور تفنگ ۲ گرم پرده بکارتت را از دست دادی مجبوری این درد را تا آخر عمر تحمل کنی یا به زندگی پر از دارد و مشقت خویش پایان دهی. جایی که تعدادی از مدافعین حقوق بشر برای خود نمایی به جای خواستن حق تو و اجرای عدالت تجمع می کنند و از مجریان قانون خواستار لغو اعدام مجرمین می شوند. آری اینجا افغانستان است و زن جنس دوم و ضعیف.

با نوشتن این متن با خواهرانم که قربانی خواسته های جنسی سارقین حادثه ی پغمان شدند ابراز همدردی کرده و از مقام های قضایی دولت خواهان صدور حکم اشد مجازات هستم.

**دست مذهب از زندگی**

**مردم خصوصاً زنان و**

**کودکان که اولین قربانیان**

**آن، مستند کوتاه!**



**زن و حق پایمال شده او بر بدنش  
پریا مصیری منجی**

از دیدگاه اسلام، قانون، دین، شرع و جامعه‌ی مردسالار جمهوری اسلامی ایران، زن چیزی نیست جز یک وسیله و یا بازیچه در دست مردان و آنقدر که یک مرد بر بدن زن حق دارد خود زن حتی بر بدنش ندارد، مرد است که برای زن تعیین میکند چه وقت و همراه چه کسی از بدنش لذت ببرد، مرد است که برای زن تصمیم میگیرد سفر کند، درس بخواند، کار کند و یا حتی بچه دار شود یا نه، با اجازه مرد است که زن میتواند بچه‌ای ناخواسته را سقط کند یا نه، زن هیچ حقی ندارد تا در رابطه با خصوصی‌ترین قسمت بدنش تصمیم بگیرد، زن را به برده‌ای تبدیل کرده‌اند که باید در تمام امور مردها برایش تصمیم بگیرند، حق مسلم یک انسان را از زنها گرفته‌اند (حق زن بر بدنش) زنها انواع خشونت‌ها را زیر چتر قانون و اسلام متحمل میشوند و از آنجاییکه در جمهوری اسلامی ایران اجرای قوانین، تابع سلیقه‌های دینی و سیاسی مجریان شده است، در نتیجه فرصت مناسبی در اختیار نیروهای مخالف حقوق انسانی زنان قرار گرفته است برای سرکوب و تحقیر کردن زنان ایرانی آزادی در جمع و جامعه است که معنا پیدا میکند هرچند که دیکتاتوری اسلامی با آزادی زنان کاملا مخالف است.



**جنایات گری خلافت  
اسلامی (داعش)  
اکو رضانی**



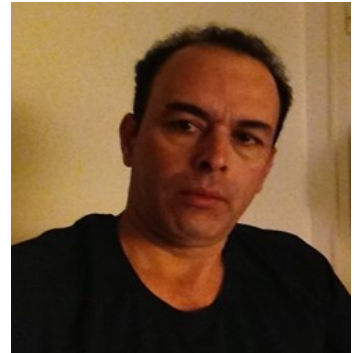
محمد سودانی وزیر حقوق بشر عراق در نشستی ضمن وحشیانه خواندن اقدامات نیروهای گروه خلافت اسلامی، این گروه را خطری برای کشورش و تمام دنیا خواند. بنا به گزارش سازمان ملل تنها در ماه اوت دست کم هزارو چهارصد و بیست نفر در عراق کشته شده‌اند. خبر فروش زنان توسط داعش تازه نسیت و از زمان ظهور این جریان بارها اخبار پراکنده‌ای درباره به اسارت گرفتن و فروش زنان در نقاطی از سوریه و عراق توسط فعالان زنان در رسانه‌ها و در حاشیه رویدادهای نظامی در عراق و سوریه قرار گرفته، و صدای سازمان‌های مدافع حقوق بشر و جوامع فمینیستی نتوانسته واکتش افکار بین‌المللی را نسبت به موضوع، به برده گرفتن و فروش زنان را جلب کند. فروش زنان توسط داعش به عنوان غنائم جنگی و خبر وجود بازار برده فروشی و زنان اسیر برای بیشتر مردم جهان و حتی بخشی از مردم عراق هنوز باور کردنی نیست، و نمی‌توانند بپذیرند در شرایط امروز جهان چنین واقعه‌ای ممکن است روی دهد. امارهای رسمی تعداد افراد ربوده شده را بیش از پانصد نفر اعلام کرده‌اند، اما منابع می‌گویند تعداد دستگیر شده‌ها بسیار بیشتر از اینهاست. به گزارش خبرگزاری فرانسه سازمان دیده بان حقوق بشر سوریه می‌گوید اطمینان دارد که دولت اسلامی دست کم ۲۷ زن ایزدی را به مبلغ حدودا هر کدام ۱۰۰۰ دلار به شبهه نظامیان گروه خود فروخته است. دیده بان حقوق بشر سوریه فروش زنان ایزدی را تا کنون در حلب و رقه و حسکه ثبت کرده که بیش از ۳۰۰ زن و دختر می‌باشند، آنها اعلام کرده بودند حذف از این آدم رباییها فروش زنان به شکل ازدواج است. برخی از ساکنان مجتمع خانک در شهر دهوک واقع در شمال عراق اعلام کردند که گروه داعش بیش از ۲۰۰۰ دختر ایزدی را ربوده و اقدام و فروش برخی از آنها نموده است. سخن‌گوی حلال احمر عراق در بیانیه‌ای تأکید کرد عناصر داعش دهها نفر از خانواده‌ها و قومیت‌های ترکمن، ایزدی و مسیحی را در فرودگاه تل‌عفر به اسارت گرفتند و سپس همه مردان آنان را به قتل رساندند و زنان ایزدی و مسیحی را به عنوان کنیز در یکی از بازارها به فروش گذاشتند. اینها همه درصد کمی هستند از فجایع ضد انسانی، که اسلامیون و مسلمانان و آدیان، همواره زن ستیزی خود را به طرق گوناگون به اثبات رسانده‌اند. گرچه جنایات گروه خلافت اسلامی همواره محکوم هستند اما باید نوبت پیکان را بنگریم که آنها تمامی دستورات الله، محمد و قران را اجرا می‌نمایند و تمامی جنایات آنها قبلا به صورت آشکار توسط محمد اجرا شده است و در قرانشان نیز برخی از آنها ثبت گردیده. ناپدید شدن تمامی جریانهای افراطی و مذهبی و به امید ازادی و آگاهی تمامی انسانها از یوغ اسارت، جهل و خرافه پرستی و تحجر.

**خانم مینو همتی عزیز با درود،**

با تشکر از شما برای پوشش خبری بیست و پنجمین کنفرانس سالانه‌ی بین‌المللی بنیاد پژوهش‌های زنان ایران. حسن توجه شما به کنفرانس در برنامه‌های شما یاری به معرفی کار ما داد. برگزارکنندگان کنفرانس مراتب قدردانی خود را از همکاران و دست‌اندرکاران تلویزیون ابراز می‌دارند. امیدواریم این همکاری در رابطه با کنفرانس‌های سال‌های آینده ادامه یابد. با تشکر و احترام، ثریا فلاح



بنیاد پژوهش‌های زنان ایران  
مسئول ارتباطات و رسانه‌ی کنفرانس 2014



**ترس از قدرت رسانه ها در  
سرنگونی رژیم اسلامی  
ایران!  
شاهین کاظمی**

این برنامه رتبه ۲ منطقه در زمینه دسترسی به اینترنت برای کشور پیش‌بینی شده بود اما حالا نه تنها ایران از نظر سرعت اینترنت رتبه آخر منطقه را از آن خود کرده است که قیمت اینترنت در ایران دو برابر افغانستان و بیشتر از ۳۵۰۰ برابر ژاپن است.

این در شرایطی است که چندی پیش وزارت ارتباطات دولت حسن روحانی مجوز اعطای نسل سوم خدمات اینترنتی را اعطا کرد و همین موضوع کافی بود

تا حملاتی علیه محمود واعظی آغاز شود و او حتی تهدید به استیضاح شود. ساعتی پس از انتشار خبر واگذاری نسل سوم خدمات اینترنت پرسرعت، انتقاد شدید به دولت آغاز شد. نمایندگان طویله اسلامی، محمود واعظی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات را تهدید به استیضاح کرده و گفتند، تا زمانی که شبکه اینترنت ملی

راه‌اندازی نشده است، دولت حق ندارد پهنای باند را افزایش دهد. برخی رسانه‌های داخل ایران مجوز نسل ۳ را غیرقانونی دانسته و برای این ادعای خود به فراهم نشدن زیرساخت‌ها متوسل شدند. حملات به دولت واکنش حسن روحانی را برانگیخت. او



یکبار در نشست خود با خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی اعلام کرد که برخورداری از اینترنت پرسرعت لازمه توسعه دانش و تولید علم در ایران است و در شرایطی که موقع لود شدن یک صفحه خوابان می‌برد، نمی‌توان توقع پیشرفت سریع دانش در ایران را داشت. روحانی بلافاصله پس از آن و در اجلاس روز جهانی مساجد دوباره موضع

دوباره موضع خود را تکرار کرد و گفت: ما از آن دورانی که رادیو را در قفسه می‌گذاشتند و در آن را قفل می‌کردند، عبور کرده‌ایم و نمی‌توانیم دروازه‌های دنیا را روی نسل جوانمان ببندیم.

اما با همه این حرف‌ها؛ کل نظام دیکتاتوری اسلامی که بر پایه سانسور و فیلترینگ بنا شده نمی‌تواند دسترسی شهروندان ایران و ارتقای آگاهی مردم از آنچه که در ایران و توسط حکومت و یک مشت دزد و جنایتکار انجام می‌گردد.

را تحمل کند و در نهایت این آزادی هم بدست نمی‌آید مگر با اعتراض و مبارزه؛ وظیفه مهم همه ایرانیان که خارج از کشور و بویژه در شرایط تبعید بسر می‌برند همین اطلاع رسانی است که نقض حقوق بشر فاحشی بنام سانسور و فیلترینگ را به گوش سازمان‌ها و مدافعین بین‌المللی حقوق بشر برسانند تا با کمک و مبارزه متشکل این دیوار استبدادی برسرحاکمان دیکتاتور جمهوری اسلامی ایران خراب شود.

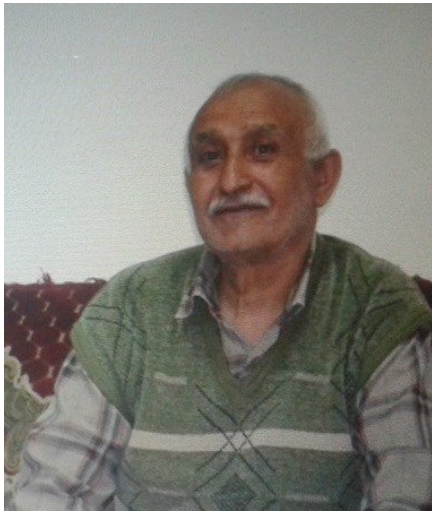
به امید آزادی ایران و نابودی حکومت دیکتاتوری متحجر دینی

### فرشته نظامی

زن را باید در خانواده به‌عنوان مادر تعریف کرد معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران گفت: زن را باید در خانواده به‌عنوان مادر تعریف کرد حتی اگر خودسرپرست باشد. به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام میثم امرودی در نخستین گردهمایی مراکز دولتی، عمومی و مردم‌نهاد در حوزه زنان سرپرستی خانوار افزود: ستون وسط خیمه زندگی زن است و مطالعات نشان داده اگر به هر دلیلی پدر از دست رود امکان تلاشی شدن خانواده نسبت به زمانی که مادر در خانواده حضور ندارد کمتر است. جمله ابتدایی این خبر بسیار گویاست. جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدن، برای مقابله با حضور زنان در اجتماع و هرگونه ابراز وجود سیاسی دست به تقدیس مفهوم و مقام مادر زده است. در برخورد اول به نظر کار بدی نمی‌آید که جمهوری اسلامی مدام از مقام و ارزش و جایگاه مادر می‌گوید و آن را به عرش‌علی می‌رساند؛ اما این سیاست هدف دیگری را دنبال می‌کند. پشت تمام این هندوانه زیر بغل گذاشتن‌ها و مادر کردن و روز مادر را جشن گرفتن، حربه‌ای وجود دارد. جمهوری اسلامی با ارجاع به اخلاقیات عقب‌مانده خود، تلاش دارد تمام هویت زن را در مادر بودن و همسر بودن خلاصه کند. زنانی که تنها نقشی که باید به عهده بگیرند تنها همین دو نقش است حتی اگر سرپرست خانوار باشند و مجبور به کار در بیرون از خانه. دم خروس حکومت به‌سرعت از پس شعارهای توخالی‌اش نمایان می‌شود. زنانی که جز تمکین از شوهر و سرویس دادن به وی و تربیت "شیران‌نر" و وظیفه دیگری ندارند و نباید داشته باشند. این اساس نگاه این حکومت به نقش زنان در اجتماع است و احترام به مقام مادر صرفاً نقابی برای پوشاندن این سیاست کثیف است. زن را ستون خانه و خانواده تعریف می‌کنند تا اگر زن وارد فعالیت‌های اجتماعی شد فریاد برآورند که ستون خانواده به لرزه افتاده است. جنبش زنان در ایران اما به‌خوبی به ای ترنندهای پوسیده واقف است و فریب چنین اراجیفی را نمی‌خورد. این تبلیغات سال‌هاست که خاصیت خود را از دست داده است. زنان امروز در ایران با ابراز مخالفت و انزجار هرروزه خود به جنگ این‌گونه تبلیغات رفته‌اند. تربیت فرزند همان اندازه وظیفه زن است که وظیفه مرد است. این اصلی پذیرفته‌شده و بدیهی در دنیای امروز است که جنبش زنان ایران نیز به‌خوبی به آن واقف است. آقایان بهتر است تاکتیک‌هایتان را عوض کنید دست شما برای مردم سال‌هاست رو شده است!

تسلیمت مرگ ناباورانه و زود هنگام کارگر مبارز و خستگی ناپذیر رفیق توفیق خوانچه زر

دبیا علیخانی



دیشب بعد مدتها و بسیار تصادفی با یکی از دوستان دوره کودکی ام مروری بر خاطرات گذشته و یادآوری به تعداد انسانهایی که تسلیم قوانین و سنتهای عقب مانده در ارتباط با زنان نشدند می خواستیم به جواب این سوال نزدیک شویم . میزان پتانسیل جامعه ؟ برای پذیرفتن بی حقوقی زنان ، جنس دوم بودن زنان و بی حرمتی به انسان در کل اعم از زن و مرد. در میان قطب سیاهی و به رسمیت شناختن تبعیض علیه زنان و قطب دیگر احترام به انسان و حریم شخصی اش و دفاع از برابری زن و مرد چهره انسانهایی در خاطرات کودکی مان می درخشید، انسانهایی گرچه معدود و اندک اما زندگی شخصی شان ، زندگی اجتماعی شان همه و همه در خدمت تقویت قطب دفاع از حرمت زن ، کارگر و تلاش برای زندگی بهتر انسانهای دورو بر بود ، انسانهایی که با انتخاب درستشان و تاثیر عمیق شان جا در دل هزاران کارگر و مردم روستا و شهر باز می کنند.

رفیق توفیق خوانچه زر

کارگری آگاه و مبارز و نکته سنج بود که در سراسر زندگی اش از هیچ کوششی برای دفاع از انسانهای زحمتکش و بی پناه ، زنان و کودکان رنج دیده فرو گذار نکرد. او همیشه محبوب جمع های کارگری و انسانهای آزادیخواه بود ، در خانه اش میزبانی با آغوشی باز و مهربان برای همه ی انسانهای بشر دوست و آزادیخواه بود در تمام عمرش حرکتهای بشر دوستانه و دفاع از حقوق زن و کودک و کارگر را حمایت می کرد و برای همین در شهرها و روستاهای کردستان خوشنام و محبوب بود. هنوز آخرین بار دیدنش را که با کارگری بحث میکرد را به خاطر دارم ، با چهره ای دوست داشتنی و مهربان ، لبخند بر لب به کارگر میگفت چرا بین دختر و پسرهایت تبعیض گذاشتی ؟ چرا برای دخترهایت اسم قدیمی انتخاب کرده ای ولی پسرهایت اسم امروزی دارند ؟ او مرد سالاری را به هر شکل و توجیهی تقبیح می کرد و اعتقاد داشت زندگی شخصی کارگران و انسانها پیشرو هم باید سرمشق جامعه باشد.

متأسفانه قلب نازنین و مهربان رفیق توفیق دیشب برای همیشه از تپش باز افتاد و ما را با باری از اندوه تنها گذاشت اما رفیق توفیق و امثال او برای همیشه بخشی از خاطرات خوب و به یاد ماندنی ما کودکان دیروز و انسانهای امروز که برای دنیایی بهتر تلاش خواهند کرد ، خواهد ماند . خاطراتی که یادآور پتانسیل جامعه برای تغییر وضع موجود است.

مرگ نا بهنگام این انسان آزاده و خستگی ناپذیر را به جامعه ی کارگری و انسانهای آزادیخواه و خانواده گرامی اش و نیز به رفقا یحیی و مظفر محمدی و جمیل و بهار و آرام خوانچه زر و تسلیمت میگویم .

12 سپتامبر 2014



تسلیمت

باتاژ و تاسف فراوان، سازمان رهائی زن مرگ رفیق توفیق خوانچه زر، کارگری مبارز و انسانی والا را به جامعه ی کارگری و خانواده ی محترمشان، رقتا

جمیل و آرام خوانچه زر تسلیمت میگویم.

از طرف سردبیر و مدیر مسئول سازمان رهائی زن

میوهی - شماره رضایی

سیاستمداران بر اساس عرضه و تقاضا فعالیت می کنند. اگر شمار فراوانی از شهروندان ایران، دانش، تجربه و اطلاعات خود را برای هماهنگی و همکاری با دیگران در زمینه مبارزه با خشونت خانگی ارائه کنند، برخی از سیاستمداران ایرانی هم از ایجاد خانه‌های امن و کاهش خشونت خانگی حمایت خواهند کرد.

بسیاری از زنان حاضرند تا برای حفظ آبرو یا باقی ماندن در کنار فرزندان خود با صدای بلند فریاد بزنند، "نیازی به کمک نیست". بنابراین، مردان باید بدانند که ممکن است زنان پیرامونشان به کمک نیاز داشته باشند. این راهی برای تضمین کمک رسانی به زنانی است که از ترس تنهایی یا بی آبرویی سکوت می‌کنند. پس از تضمین برابری حقوقی، آگاهی عمومی و وجدان جمعی مهم ترین نقش را در خشونت پرهیزی دارد.

از یاد نبریم که بیش از دو سوم از کودکان بزهکار به خانواده‌هایی تعلق دارند که در آنها مادران اسیر خشونت بوده‌اند. این کودکان می‌پندارند که خشونت امری طبیعی و بهترین راه برای کنترل دیگران است. اکثر زندانیان بزرگسال نیز در خانه‌های خشونت پرور پرورش یافته‌اند. خشونت خانگی جرم است. اگر تصور می‌کنید که باید خشونت خانگی را همچون "یک راز شخصی" حفظ کنید، در واقع در حال حفاظت از یک جنایتکارید و در حق خود، فرزندان و جامعه بی عدالتی روا می‌دارید. مراجعه به روانشناس یا روانپزشک به شما کمک می‌کند که به ترمیم یا درمان یک رابطه غلط بپردازید. سکوت قربانی درباره خشونت خانگی تنها به تداوم خشونت می‌انجامد./

روی آورد که فرجامی جز خودکشی نخواهد داشت.

از هر سه خیر بخش حوادث روزنامه‌ها دوخبر به قتل‌های خانوادگی اختصاص دارد. زنان در معرض خطر بیشتری قرار دارند زیرا پدران، برادران، همسران و در برخی استانها، پدربزرگ‌ها، عموها و دایی‌ها خود را مالک زنان می‌دانند و نافرمانی آنها را با خشونت پاسخ می‌دهند. اغلب خشونت در خانه همسایه را نادیده می‌گیریم و می‌گوئیم: "هرکس اختیار خانه خودش را دارد". اما هنگامی که خبری در این خصوص را می‌شنویم به جای قاضی، شاکتی، هیئت منصفه و گاه خدا می‌نشینیم و حتی به تماشای اعدام می‌رویم تا عطش انتقام را فروشانیم و بگوئیم: "ما نه این کاره ایم و نه در این بازی‌ها دخیلیم". اما حقیقت تلخ این است که ما هم مقصریم.

شاید زمان آن فرا رسیده که دریابیم سوء استفاده‌ها و خشونت‌های خانگی مسئله‌ای شخصی نیستند و حرف زدن درباره آنها حق قربانیان است. والدین سنتی که می‌پندارند دخترانشان باید با لباس سفید به خانه شوهر بروند و با کفن راهی قبرستان شوند از جمله مقصرین اصلی هستند. هر چند در ایران با مشکلات سیاسی، حقوقی و قانونی فراوانی دست به گریبانیم اما هیچ قانون و سیاستی نمی‌تواند از توافق انسان‌ها در امور شخصی جلوگیری کند. نخستین گام برای غلبه بر قوانین شرعی رو به زوال این است که بپذیریم شریک زندگی ماحق دارد که به هر دلیلی این رابطه را ترک کند.

در چند سال گذشته، پلیس نیویورک بخش رسیدگی به خشونت خانوادگی خود را تا 40٪ گسترش داده که این امر قتل زنان را کاهش داده است. شاید بسیاری ندانند که

خود را بر آنها تحمیل کند. در جامعه پدرسالار و دین محور ایران، خشونت خانگی نهادینه شده و مبارزه با آن دشوار و طولانی است. قربانیان خشونت خانگی را می‌توان در بین زوج‌های همجنسگرا و دگرجنسگرا، همه گروه‌های سنی، قومی و حتی سطوح متفاوت اقتصادی، فرهنگی و تحصیلی دید. زنان بیشتر از مردان قربانی خشونت خانگی می‌شوند اما مردان نیز از این امر مصون نیستند و مورد آزار کلامی، احساسی، اقتصادی و جسمانی قرار می‌گیرند.

تشخیص خشونت خانگی، اولین گام برای کمک گرفتن است. باید بدانیم که خشونت چیست و سوءاستفاده کدام است؟ خشونت جسمانی اغلب آشکارتر است اما سوء استفاده زبانی و آسیب‌های روحی پیامدهای روانی شدیدی دارد که آثار زیانبارش را در جامعه ایران می‌توان دید. عزت نفس قربانیان سوء استفاده کاهش می‌یابد، و دچار اضطراب، افسردگی و احساس درماندگی و تنهایی می‌شوند که آنها را به سوی بیماری یا جرم سوق می‌دهد.

نشانه‌های یک رابطه غلط گاه روشن و گاه پنهان است. اگر زن خانه داری هستید که شوهرتان شما را به رابطه جنسی مجبور می‌کند، تحت سلطه هستید و خودتان هم از این امر آگاهی دارید اما می‌دانید که اگر زن خانه داری مجبور باشد که برای دریافت هزینه ماهانه از شوهر التماس کند یا باج دهد او هم تحت سلطه است؟ اگر یک مرد بیچاره مستأصل همواره آماج سرزنش همسر یا خانواده اش باشد، اسیر رابطه‌ای نادرست است و بعید نیست که به آزار روانی و شاید جسمانی خود

هر فردی ممکن است قربانی خشونت خانگی و سوء استفاده شود، اما مشکل این است که اغلب این مسئله را نادیده می‌گیرند یا تکذیب می‌کنند. این امر به ویژه در مورد سوء استفاده روانی، خطرناک است زیرا پیش از آن که به صورت غده‌ای چرکین سر باز کند، هیچ‌کس جز قربانی از آن آگاه نیست. در ایران روزانه اخبار گوناگونی درباره همسر - کشی، بویژه توسط زنان، منتشر می‌شود. افزون بر این، نوجوانان و جوانانی که "قربانی" تحقیر و آزار خانوادگی بوده‌اند، ناگهان علیه فرد آزارگر برمی‌آشوبند و «مرتکب قتل می‌شوند».

هیچ کس نباید به خاطر ترس از کسی که با او زندگی می‌کند، ساکت بماند. اگر در خود یا یکی از آشنایانتان علائم هشدار دهنده آسیب دیدگی را می‌بینید، باید تقاضای کمک کنید. در ایران حتی پس از ازدواج و استقلال مادی و فیزیکی از والدین، وابستگی عاطفی و روانی همچنان باقی می‌ماند؛ بنابراین، می‌توان از آنها کمک گرفت. در غیر این صورت، می‌توانید به روانشناس، مشاور و حتی وکیل مراجعه کنید. هر چند ممکن است که برخی از فعالان حوزه درمانی نیز ترجیح بدهند که آزار دیدگان را به صبر و تحمل دعوت کنند اما به هر حال خاموش نماندن بهتر از مدارا با مجرمین است زیرا خشونت خانگی جرم است.

یکی از انواع خشونت خانگی عبارت است از بدرفتاری با همسر. در این حالت، یکی از اعضای خانواده می‌کوشد تا بر دیگران تسلط یابد و نظرات



موضوع همجنسگرایی در کتب  
اسمانی  
مهدی زاغیان

در کنار این صفات زشت و غیر انسانی از همه برجسته تر متجاوز و هوسران بودن آن قوم مضوع اصلی همه مفسران و پژوهشگران دینی هست. خصوصیتی که آنها را به عنوان لولط کار و هوس باز معرفی میکند که پسران جوان را بزور و بدون هیچ علاقمندی مجبور به همخوابی با مردان مسن و شرور مجبور میساختن. که صد البته هیچگونه عشقی در این همخوابی وجود نداشته است. که صد البته همین مردان آن روزها پسران سالهای دوری بودن که روزی به زور و اجبار همخواب مردان دیگر میشدن و اکنون برای ارضای روحی و خالی کردن عقدهای درونی دست به این عمل میزدند. و باز هم در همین داستان نقل میشود که این قوم در شب پایانی علاوه بر انجام این اعمال از خط قرمزهای دیگر یعنی شکستن حرمت میهمان و حریم رسول خدا نیز متهم میشوند و در اینجای داستان هست که به قول گویندگان داستان خداوند دیگر کاسی صبرش لبریز میشود و آن عذاب را بر آن قوم وارد میسازد. داستانی که در بیش از هفت سوره از قرآن و در سفر

پیدایش باب نوزدهم در توراتو سفر پیدایش از ایه های یک تا سی و هشت در کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید به نگارش در آمده است. ولی در همه این نوشتهها به صراحت تنها علت نابودی این قوم را انجام اعمال جنسی بین دو هم نوع را عنوان نکرده اند. در همین داستان و زمانی که بعد از نجات یافتن لوط رسول و دو دخترش دختران لوط بخاطر مردن همه مردان شهر از ترس انقراض نسل ادم نقشه همخوابی با پدر را بیان میکنند و در آن غار نه یک شب بلکه دو شب با مست نمودن پدر با اورسول خدا همیستر میشوند را نقل میکند هیچ نشانی از خشم خداوند عنوان نمیکند و خداوند در مقابل این گناه کبیره دختران لوط حتی گرد و خاکی هم بر پا نمیکند چه رسد بر بارش سنگ از آسمان... چگونه است زمانی که صحبت از انقراض نسل ادم عنوان میشود خداوند هم مهربان و داری منطقی زیبا بینانه میشود. مگر نه اینکه همه کتابهای اسمانی خداوند را عاشق و معشوق عنوان میکنند پس

چگونه است که این خداوند عاشق دو نفر انسان را بخاطر عشق و علاقه به هم میتواند مورد خشم و عذاب خود قرار دهد. مگر نه اینکه همین کتابهای اسمانی که دستور کشتار همجنسگرایان را دادند امروزه و با باز خوانی بدون افراط و تعصبات نابجا توسط علامای دینی و کشیهای مذهبی مورد نقد و بررسی جدید قرار میگیرند. و هستن تعداد زیادی از کشورها که مراسم ازدواج همجنسگرایان را در کلیساها و بطور رسمی برگزار میکنند و دیدیم و شنیدیم که همین چند روز پیش و برای اولین بار دو دختر همجنسگرایی ایرانی و مسلمان توسط یک روحانی مسلمان و با عقدی اسلامی به ازدواج هم در آمدند. و به گفتمی امام (لودویک محمد زاهد) عاقد این دو دختر جوان اسلام نیز همچون ادیان دیگر مخالف با عشق نیست بلکه مخالف با خشونت جنسی میباشد. میشود با کمی تفکر و اندیشه بر بسیاری از موضوعاتی که در حال حاضر فکر میکنیم مسائل حل نشده هستن فائق آمده و دنیای زیباتر برای خود و دیگران بسازیم. /

### دیوار جدایی — مژگان حاصلی

پس از جنسیتی شدن تمامی بخش های زندگی از محیط های آموزشی و اجتماعی این بار جداسازی به محیط های کاری رسیده است، غافل از آن که مرز هرزگی اندیشه ی او نمی تواند دیوار جدایی انسان از نوع انسان شود. تحکیم بر جدایی زنان و مردان در جامعه هزار لایه ایران کنونی جزو همان تیشه های نهایی بر ریشه های خودی ست. سیاست محدودیت و فشار در جمهوری اسلامی، همان سیاستی که تا کنون خریدار فرصت های طلایی و دلارهای نفتی بوده است، هر لحظه نوید انفجار و نابودی زود رس را می دهد. اما، آن حربه ی سی و اندی ساله آن سیاست خودی و دشمن به ظاهر ناخودی، هر چهار سال یک بار هر طور که شده مسیر خروج و تخلیه فشارهای اجتماعی و اقتصادی را به راحتی هموار نموده و باز جامعه مسخ شده را به شکر نداشته هایش واداشته است. از همین روست که جای شگفتی ندارد اگر عبا ی چهار سال آینده چین دار باشد و به رنگ نارنجی یا سبز فسفری در بیاید. چرا که به قوت همین بنفش و نارنجی هاست که سنگینی احکام سیاه و خاکستری قابل هضم می شود تا فریب، سیاست، اتم و اصول رنگ شناسی نوین دست در دست هم جایگزین سفرهای رنگین و عرق جبین شوند. و صلوات شمارهای چینی به نیت قربت الهی برای اعدام های گروهی تا چند هزار عدد می اندازند و از سوی دیگر واژگان زهر آلود شیرین شده با عناوین گندیده از عزت زن، عفت و احترام مقام والای مادری و این گونه باج های کلامی، خط کشی برای مرزهای جدایی بسازند. غافل از آنکه تمام این تعارفات در نهایت خلاصه در ابزار زاد و ولد اجباری شدن خواهد بود. این چیزی نیست جز همان اندیشه انیستگرام شده و پشتیبان رساله های قطور توضیح المسائل که سال هاست در فلسفه میان احکام الهی و رنگ حیض زنان، ریش حنا شده اش را به گرو گذاشته است. /

**مشکلات و معضلاتی که مسئولان برای نابودی مملکتان ایجاد کرده اند**  
**مرضیه آدمی عضو و فعال حقوق بشر و حقوق زنان**



نشست خبری با تشریح عملکرد یکساله گذشته از فعالیت دولت در زمینه آب و فاضلاب گفت: چالش‌های تامین و توزیع آب به قدری زیاد است که همه باید در مدیریت آن سهیم باشند. ایران در یک شرایط سخت کم آبی قرار گرفته و اطلاعات اقلیم نشان می‌دهد ایران در یک دوره ۳۰ ساله خشکسالی قرار دارد و باید در تمامی بخش‌ها فعالیت‌ها با موضوعات منطبق بر فراوانی و محدودیت‌های محدودیت‌های آبی باشد.

<https://hra-news.org/fa/environment/ab>  
 در حالیکه اگر کمی مسئولان دلشان بحال مردم و ثروت ملی کشورشان میسخت و در قبال کارشان احساس مسئولیت میکردند کسانی را به کارهای حساس و تخصصی می‌گماردند که مملکتان به این حال و روز نیفتد و همانطور که همه میدانیم دلیل این مصیبتها اینست که ضابطه جای خود را به رابطه و فامیل بازیها داده و وطنمان را به خاک سیاه نشانند. پول نفت را به تاراج بردند بطوریکه احمدی نژاد رئیس جمهور پیشین در طول ۸ سال ۸۰۰ میلیارد تومان پول نفت را خورد و برد و الان هم به کسی اجازه اعتراض به تخلفات و زردپه‌ایش را نمیدهند پس کو؟ کجاست؟ کسی میتواند جوابی برای اینهمه سوال بیابد؟ او اینک چرا با آن همه ثروتی که داشتیم بملت روز به روز فقیرتر و بیچاره تر از قبل می‌شویم؟ بی‌کاری، اعتیاد، دزدی، تب‌فروشی و فروش اعضای بدن به منظور تامین مایحتاج زندگی و سیر کردن شکم خانواده شان و متأسفانه مسئولان بحدی سیری ناپذیرند که حتی دست به فروش سازمانها و ارگانهای

با درودی بی پایان حضور تمامی هم‌نوعان گرامی و آرزوخواهم و اینبار می‌خواهم در باره ی اینکه چگونه عوامل و دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی همگی دست به دست هم داده تا بدان جا که تمام ثروت ملت را به تاراج برند. خاکش را به امارات می‌فروشند در حالیکه میدانیم هر ذره از این خاک میلیونها سال طول میکشد تا دوباره درست شود و تمامی رودها و اکثر دریاچه ها را با ناآگاهیهای تخصصی و ندانم کاریهایشان خشکانند بطوریکه این روزها کمتر شهری هست که با کمبود آب حتی برای آشامیدن مواجه نشده باشند.

**تهران به وضعیت قرمز آب نزدیک شد.**

مشاور وزیر نیرو با تاکید بر اینکه در صورت عدم بارندگی مناسب و صرفه‌جویی جدی از سوی شهروندان تهرانی، پایتخت در پاییز امسال به وضعیت قرمز آبی نزدیک خواهد شد، گفت: این وزارتخانه با تمهیدات ویژه‌ای در حال مدیریت آبرسانی به کلانشهرهایی مانند کرمان و اصفهان است. به گزارش ه‌رانا به نقل از مهر، حمیدرضا جانباز امروز در یک

دولتی زده و آنها را به بخشهای خصوصی واگذار کرده و میکنند. آیا تا به حال از خود پرسیده ایم که این غارتگران تا به کی به ویران کردن و چپاول مملکتان می‌خواهند ادامه دهند؟ تا کی صدای فریاد و فغان مردم به گوش صاحبان قدرت و مسئولان و مچامع بین المللی نمیرسد؟ تا کی باید برای گرفتن حقوق حقه و خویش دستگیر و زندانی و شکنجه شوند؟

چرا باید وکلا مدافعان حقوق بشر، نویسندگان، خبرنگاران، روزنامه نگاران، دانشجویان روشنفکر و کارگران زحمتکش و معلمان دلسوز بخاطر ابراز عقیده و دفاع از حقوق ملت در زندان بسر ببرند و تحت بدترین شرایط مورد آزار و اذیت جسمی و روانی قرار گیرند و از ملاقات با خانواده و عزیزانشان محروم گردند و یا گاه آنقدر شکنجه شوند تا برای نجات جانشان وادار به اعترافاتی شوند که کذب محض بوده؟

**یادی از شهلا و نسرين كعبی**

روز ۷ شهریورماه سی چهارمین سالروز اعدام جنایتکارانه ی شهلا و نسرين كعبی است. در روز ۷ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ سرکوبگران جمهوری اسلامی در تداوم کشتار و جنایت در کردستان دو خواهر، دو پرستار، دو امدادگر و دو خدمتگزار مردم را تنها و تنها به دلیل دشمنی جمهوری اسلامی با مردم کردستان و بنیاد نهادن حاکمیتش با اعدام و قتل عام به جوخه ی اعدام سپردند اما صحنه ی اعدام آنان شکوهی از مقاومت تاریخی محکومان به اعدامی است که در آن لحظه ی دشوار تنها به کرامت خود و جنبش عادلانه ی مردمشان می اندیشند. «اخبار روز) شهلا و نسرين كعبی و نیز برادرشان صدیق همچون دیگر

جانباختگان راه آزادی و برابری از ملیت های مختلف چون ترکها، عربها، بلوچها و غیره همه جاودانه ها و اسطوره های تاریخی معاصر سرزمین ما هستند. ایستادگی و شهامت و شورش انقلابی این انسانهای سربلند، آزاده و استوار را که حقیقتاً با شکوه و ستایش آمیز است را به تمامی آزادگان و مبارزین راه آزادی بویژه به خانواده محترم کعبی تبریک و تسلیت عرض می نمایم.

فدائیان از جان گذشته مردم قهرمان ایران، مسیر مبارزه بی بدیل شما در عرصه ی پیکار با شب پرستان، همچنان ادامه دارد. ما ملل تحت سلطه ی ایران به شما افتخار می کنیم و در امتداد راه سرختان به فردای روشن آزادی، صلح، سوسیالیسم و برابری جنسیتی خواهیم رسید. مستبدان مذهبی باید بدانند که با امنیتی کردن فضای داخل کشور، با سرکوب و کشتار و وحشیانه بهترین فرزندان این مرز و بوم، مبارزات توده ای پایان نمی گیرد.

شهلا، نسرين و صدیق که روح بی قرار و سربلند عرصه کوهساران کردستان هستید، مطمئن باشید خون پاک شما و همه جانباختگان دیگر گم نمی شود. پیروزی نزدیک است. یاد و خاطره شیر زنانی چون شهلا و نسرين كعبی و نیز برادرشان صدیق كعبی تا ابد در دل آزادیخواهان ایران و جهان باقی خواهد ماند.

فعالان جنبش کردستان که به صورت گروهی اعدام می شوند، همواره در طول تاریخ مورد ستم چند لایه بوده هستند. آنان همچون همه ملت های دریند، مورد محرومیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی قرار می گیرند. زمانی که سایر مناطق از وضعیت نسبتاً عادی برخوردار بودند. منطقه کردستان با داشتن نیروهای چریکی، تحت نام

پیشمرگ به کانون مبارزه ی رادیکال و انقلابی علیه رژیم تحت حاکمیت استبداد مذهبی تبدیل شد.

علاوه بر آن بسیاری از اعضا و هواداران سازمان های مختلف سیاسی در این منطقه به آرایش نیروهای سیاسی خود پرداختند. اکنون نیز کردستان به رغم بمباران روستاها و شهرهایش از سال ۱۳۵۸ تا کنون به مرکز فعالیت کسانی تبدیل شده است که قلبشان برای آزادی و سوسیالیسم می تپد. آنها بیش از همه مبارزان، تحت شکنجه و آزارهای فیزیکی و تجاوز جنسی قرار می گیرند.

آمار اعدام در مورد فعالان جنبش کردستان به طرز نگران کننده ای به مراتب بیشتر از سایر مناطق بوده و هست. به همین دلیل نیز مبارزه مسلحانه مبارزان جنبش کردستان یک ضرورت تاریخی بوده و است. وقتی مردمی از همه چیز محروم می شوند، روستاها و شهرهای شان توسط دولت های ترکیه، سوریه، ایران بمباران می شود. مردمان مرز نشین که در نهایت فقر و فلاکت زندگی شان را سرمی کنند در اثر تیراندازی مرزبانان و پاسداران نیروی انتظامی در رقم های بسیار بالا کشته می شوند. آمار زنان خود سوخته از سایر مناطق به مراتب بالاتر می رود.

برای این مردم دیگر چه افق و دورنمایی؟! چه رویا سبزی برای ادامه زندگی وجود خواهد داشت؟! جزمید بستن به مبارزه زنده باد نام و یاد همه ی جانباختگان راه آزادی، برابری و عدالت.

با آرزوی رهایی بشریت از عفریت جنگ و توحش دینی.

<http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayId=62118>

جریان یک بام و دو هوا این است. وقتی که زنی رابطه ای با مردی دارد به سنگسار محکوم میگردد. ولی ناظمی که پدران و مادران به او اعتماد کرده و فرزندان را به او سپرده اند. او بخود اجازه میدهد که به دانش آموزانش تجاوز کند و آنها را تهدید کند که به خانواده خود نگویند و با چنین انسان پست و منحرفی اینچنین برخورد میکنند که واقعا شرم آور است.

**ناظمی که به تازیانه و تبعید محکوم شد.**

حکم بدوی ناظم مدرسه ای که به کودکان تجاوز کرده بود، صادر شد. به گزارش ایرنا، غلامحسین محسنی اژه ای، سخنگوی قوه قضاییه در نشست مطبوعاتی روز دوشنبه ۱۰ شهریورماه با اعلام این خبر گفت: «این فرد در دادگاه بدوی محکوم شده اما چون حکم قطعی نیست از بیان جزئیات آن معذورم. وی افزود: اما به صورت کل حدی از تازیانه، ۲ سال تبعید و محرومیت از برخی مشاغل و فعالیت های اجتماعی در حکم وی آمده است.»

کافی شاپ ها ممنوع است تاکید کرد: طبق قانون، تردد و اشتغال زنان حتی اگر صاحب پروانه کسب باشند، در داخل قهوه خانه ها ممنوع است.

به گزارش هرانا به نقل از تسنیم، خلیل هلالی همچنین اعلام کرده است زنانی که تقاضای اخذ پروانه کسب قهوه خانه دارند باید مردانی را به عنوان مباشر خود در این اماکن معرفی کنند.

رئیس پلیس اماکن ناجا در مورد اشتغال زنان در سفره خانه های سنتی نیز گفت: با توجه به اینکه خدمات در سفره خانه های سنتی به خانواده ها نیز ارائه می شود، تردد خانم ها در آن اماکن بلامانع است، ولی ممنوعیت اشتغال زنان در فضای عمومی سفره خانه ها، همچون قهوه خانه ها است ولی اشتغال زنان در فضاهایی همچون آشپزخانه سفره خانه ها، ممنوعیتی ندارد.

رئیس پلیس اماکن ناجا در مورد اشتغال زنان در فضای عمومی سفره خانه ها، همچون قهوه خانه ها است ولی اشتغال زنان در فضاهایی همچون آشپزخانه سفره خانه ها، ممنوعیتی ندارد.

<https://hra-news.org/fa/women/zanan-5>

هنوعان عزیزم عاجزانه از همگیتان تقاضا دارم در هر جای این کره ی خاکی هستید برای حقوق از دست رفته و ظلم و زوری که روا میدارند و هر روز که میگذرد. خوابی جدید برای اذیت و آزار دختران و زنان میبینند. اقدامی کرده و بپا خیزیم

بامید آزادی ایران و ایرانیان از دست دیکتاتوران و ظالمان

خبر تجاوز ناظم دبستان به چند دانش آموز را اول بار روزنامه همشهری در دوازدهم خرداد ماه منتشر کرد و نوشت: «ناظم مدرسه ای که متهم است چند نفر از دانش آموزان یک مدرسه پسرانه ابتدایی در غرب تهران را مورد آزار و اذیت قرار داده است در دادگاه کیفری استان تهران به صورت غیر علنی محاکمه شد. این مرد ۳۳ ساله که چندی پیش با شکایت اولیای دانش آموزان مدرسه دستگیر شده بود متهم است ۲ دانش آموز را در مدرسه مورد آزار و اذیت قرار داده است.»

پزشکی قانونی و معاون فرهنگی وزارت آموزش و پرورش نیز، وقوع این تجاوز را تایید نموده اند <http://bit.ly/1qWlZvz>

**محدودیت کار و شغل و جدا سازی زنان در محل کار.**

وقتی مردم علی الخصوص زنان در برابر قوانین و تصمیم گیری های نا بجا و غیر منصفانه قانون گزاران سکوت میکنند و اعتراض جدی بعمل نمی آورند. اینچنین خواهد شد که هر روز شاهد و ناظر ظلم های مضاعف بر قشر زنان هستیم چنانکه قالیباف شهردار تهران یک شبه تصمیم میگیرد که کارمندان زن و مرد شهرداری را از هم جدا کند و زمان زیادی نمیگذرد که مسئولی دیگر اینچنین برای زنان تصمیم گیری میکند.

رئیس پلیس اماکن ناجا با اعلام این خبر که اشتغال زنان در

## وادی اول: "الفاظ رکیک زن ستیزانه" - سلماز تقی زاده

استفاده از الفاظ رکیک و فحش های جنسیتی - جنسی که حاوی توهین های ناشایست به زنان می باشد رواج گسترده ای در میان مردان داشته و دارد. ادبیات زن ستیز که در باب شوخی و گاهاً به جد زن را تحقیر نموده، بازیچه دانسته و یا به سخره می گیرد دیر هنگامی است در جامعه ریشه دوانده است. این موضوع به خودی خود تأسف بر انگیز بوده و بررسی فراوانی می طلبد اما آنچه در این وادی به آن توجه می کنیم استفاده زنان از ادبیات ماهیتاً زن ستیز می باشد. مبارزه با چنین ادبیات تحقیر آمیزی در گام اول می بایست از سوی زنان صورت پذیرد اما در کمال ناباوری، زنان نیز به استفاده مکرر از الفاظ و القاب رکیکی روی آورده اند که جنسیت خود ایشان را خوار شمرده و از لحاظ جنسی و اجتماعی مورد توهین قرار می دهد. هر چند این الفاظ ممکن است به صورت عادات ناپسند و گاهاً در مقام شوخی بیان شوند اما این امر به هیچ عنوان از کراهت موضوع نمی کاهد. بدیهی است این ادبیات پر کاربرد به ظاهر ساده، خود گونه ای از تبعیض جنسیتی را رقم می زند و عدم استفاده از آن بهترین شیوه مبارزه با تبعیض علیه زنان خواهد بود. در انتخاب واژگانمان دقیق تر باشیم!

زندان در زندان

میترا پورشجری

مواظب باشیم تقلب نکنیم. شادی های خیلی کوچکی که برایمان حسرت و آرزو شد.

بیش از دو سال است که با کمک فعالان مدنی و سازمان های فعال در زمینه حقوق بشر به دنبال درمان پدرم بودیم، بیماریهایی که ناشی از شرایط سخت و شکنجه زندان بود و پدرم بدون درمان اساسی و موثری، تنها با تحمل درد و رنج بسیار در انتظار پایان محکومیتش به سر برد.

طبیعی است که بعد از آزادی و در شرایطی ناگوار که در طی چهار سال تمام دارایی و داشته هایش تلف شد و از بین رفت و هم اکنون بدون خانه و درآمد است، هدفش ملحق شدن به تنها فرزند خود و درمان بیماری هایش باشد و مراقبت و پرستاری من را در دوران بازنشستگی خود بخواهد.

تنها دو روز بعد از آزادی اقدام به گرفتن گذرنامه کرد و چند روز بعد از استناداری کرج تماس گرفتند و برای پاره ای

جمهوری در استناداری البرز فراخوانده شد و در 15 شهریور طی یک جلسه بازجویی مورد سین جیم قرار گرفت و دلایل خروجش را پرسیدند و پدرم هم دلایل خود را دیدار من و درمان بیماری ها و نداشتن محل مناسبی برای زندگی و منبع درآمدی برای امرار معاش خود ذکر کرد و در انتظار گرفتن گذرنامه خود از آنجا خارج شد.

دو روز پیش شخصی بنام ولایتی از استناداری البرز تماس گرفت و ادعا کرد که می خواهند پدرم را عمل قلب باز کنند و حتی پیشنهاد کرد که دیروز به اداره بیمه رفته و بدون هیچ هزینه ای بیمه شده و بعد به هر بیمارستانی که مایل است برود و تحت درمان قرار گیرد! وقتی که پدرم دلیل توقیف گذرنامه خود را جویا می شود، پاسخ می دهند که گذرنامه شما صادر شده ولی به دستور قوه قضاییه از ارایه آن به شما معذوریم و تنها ما دستور

معالجه شما را داریم. حال نکته مبهم مسئله اینجاست که پدرم پس از پایان محکومیت

4 ساله خود بدلیل انتشار آرا و اندیشه های خود در وبلاگ شخصی اش به عنوان یک فرد معترض به وضع موجود، آزاد شد و عملاً تحت مسئولیت هیچ ارگان و نهاد دولتی نیست و یک شهروند عادی محسوب می شود و آنها در عوض توضیح منطقی و حقوقی در مورد توقیف گذرنامه به جهت ظاهر سازی و تبلیغات برای خود به او پیشنهاد درمان را ارائه کردند و با وجود آزادی از زندان ولی گویا همچنان اسیر جمهوری اسلامی است.

این رفتار آنها جز برای تطهیر خود زیر فشارهای بین المللی معنای دیگری برایم نمیدهد و به کل برخوردها و رفتارهایشان مشکوک هستم و نتوانستم هیچ توجیهی برای عدم رسیدگی و درمان در آن شرایط جهنمی زندان با مهربانی و نگرانی الان آنها در مورد درمان پدرم پیدا کنم!

17 سپتامبر 2014

چهار سال گذشت از آن زمانی که همه جا را به دنبال پدرم گشتم و سرانجام او را در بند سپاه زندان رجایی شهر یافتم.

اول شهریور پس از پایان محکومیت چهار ساله خود، از زندان آزاد شد در حالیکه هشت ماه از این سالها را در انفرادی و بیش از 3 سال آخر را تبعید در زندان مخوف ندامتگاه مرکزی کرج همراه با بیماریهایی همچون قلب، ورم پروستات، سنگ کلیه و قند خون سپری و با مرگ مبارزه کرد.

چهار سال گذشت و تمامی روزها را پدرم در زندان و من در تنهایی و بعد آوارگی و غربت به شوق و امید دیداری دوباره با هم سپری کردیم. روزی که دوباره با یک دل راحت بشینیم و شرطی تخته نرد بازی کنیم و در طول آن کلی حرف بزنیم و کرکری بخوانیم

روزهای گمشده تقویم ما—مژگان حاصلی

باز هم ایرانیان از غمگین ترین مردم دنیا شناخته شده اند. آخرین پژوهش از سوی موسسه معتبر گالوپ نشان می دهد که سهم خنده و شادی ایرانیان در میان ۱۳۸ کشور جهان رتبه ۹۳ام است. این رتبه به عنوان یکی از مهم ترین شاخص های اجتماعی، وضعیت روحی مردم ایران را در پایین ترین و اسفناک ترین شرایط نشان می دهد. تقدس و پاسداشت غم از مهم ترین و کهن ترین حربه های اجتماعی در خدمت سیاست بوده است، ابزاری قدیمی که روح و جان زندگی را از شهروندان یک سرزمین می رباید.

مردمی که رفته رفته روزهای شاد در تقویم شان گم می شود و روزهای قرمز باقی مانده، رنگ و بوی خون، جهاد و قتل می گیرند. از همین روست که به قوت اختراع و ترویج احادیث مکر برای ثواب گریه بر قتل کس و ناکس در منبرهای فریب تکرار و تکرار تر می شود. سیاستی که برای بقای خود با لباس مذهب سیاه بر ذهن یک ملت خیمه می زند، خوب می داند که اندیشه شاد، تنی سالم می سازد و انرژی و توانی مضاعف به همراه می آورد. چرا که همین اندیشه است که بهتر می پذیرد و کمتر آلوده تعصب کور می شود. قدرتی که از نوزادان، نونهالان گریبان حسینی می خواهد و برای شان برنامه آماده سازی جهادگران جبهه خشم و خون دارد.

بله در چنین شرایطی شاد بودن جرم می شود، حتی جرمی که از پیش تعریف شده کتاب قانون شان نباشد، باز به بهانه لحظه ای شفع تو را مهدور الدم می سازد.

این گونه است که شادی از فضای کوچک خانه ها و مهمانی های کاملاً شخصی تا آرزوی درک فصل های سال و بازی های زمستانی و تابستانی از سرخوشی جرم می شود، مرز پیدا می کند و محدوده می خواهد.

جایی که خنده ها و دل ریسه رفتن ها، چارچوب تعریف شده می یابد و تبسم با شرم می شود نشانه شخصیت تو و قهقهه شادمانه ات سندی می شود بر هویت هرز رفته اجتماعی.

و اما فراموش نکن از ما بهترین را که بهشت را برایت با نوازش شلاق به ارمغان آورده اند و در گوش های کودکی تاکنون همواره از ثواب روضه و مسیر رضوان خوانده اند.

گرچه می دانی و می دانم، شاد بودن بهانه می خواهد اما آنچه نباید فراموش شود بها دادن به شادی های هر چند اندک است، چرا که اگر غم زره ذره جا خوش می کند و قطره قطره می خشکاند، شادی هم تواند آهسته آهسته جان بدهد و از دل تاریکی ها راهی به روشنی بیابد. /



### فروش زنان به عنوان "عروس" به "مردان دولت اسلامی"

به گزارش خبرگزاری فرانسه، سازمان دیدهبان حقوق بشر سوریه می‌گوید: اطمینان دارد که "دولت اسلامی" دست کم ۲۷ زن ایزدی را به مبلغ حدودا هر کدام ۱۰۰۰ دلار به شبه‌نظامیان گروه خود فروخته است. دیدهبان حقوق بشر سوریه می‌گوید، مطلع است که حدود ۳۰۰ زن ایزدی تا کنون از سوی شبه نظامیان "دولت اسلامی" ربوده شده و به سوریه منتقل شده‌اند با این همه این گروه تنها توانسته از ازدواج اجباری ۲۷ زن اطمینان حاصل کند. دیدهبان حقوق بشر در بیانیه‌ای افزود: "در هفته‌های اخیر حدود ۳۰۰ زن و دختر ایزدی مذهب که در عراق دزدیده شدند به عنوان غنایم جنگی در میان جنگجویان دولت اسلامی تقسیم شده‌اند."



به گزارش این سازمان، زنان ربوده شده در سوریه به عنوان "عروس" به مردان "دولت اسلامی" فروخته می‌شوند. دیدهبان حقوق بشر سوریه فروش زنان ایزدی را تا کنون در حلب، رقه و حسکه ثبت کرده است. این گزارش می‌گوید: تعدادی از مردان عرب و کرد سوریه تلاش کرده‌اند تا زنان را خریده و آزاد کنند اما به آن‌ها گفته شده این زنان تنها به اعضای "دولت اسلامی" فروخته می‌شوند. همچنین دیده بان حقوق بشر سوریه ضمن محکوم کردن ربودن و فروختن دختران ایزدی به عنوان کالایی تجاری، اعلام کرد که برخی سرشناسان عرب و کرد از طریق میانجیگران

اموالی را به اعضای داعش در منطقه "الشدادی" در ریف الحسکه داده و دختران ایزدی را می‌خرند تا بتوانند آن‌ها را آزاد کرده و به خانواده هایشان بازگردانند. دیده بان حقوق بشر سوریه می‌گوید: از سرنوشت دیگر زنان ربوده و منتقل شده به سوریه خبری در دست نیست. ربوده شدن زنان ایزدی در شمال عراق پیش از این به تایید سازمان ملل متحد و دیگر ایزدی‌هایی که موفق به فرار شده‌اند، رسیده است.

آن‌ها اعلام کرده بودند هدف از این آدم‌ربایی‌ها، فروش زنان در شکل ازدواج است. هاینر بایفلت، مسئول حقوق مذاهب سازمان ملل، در گزارش اخیر خود نسبت به اعدام و آدم‌ربایی زنان توسط داعش هشدار داد. به گفته وی، "گزارش‌هایی مبنی بر اعدام زنان" وجود دارد. وی همچنین از گزارش‌های "تایید نشده‌ای" سخن گفت که بر اساس آن‌ها داعش صدها زن و بچه ایزدی را دزدیده و بسیاری از نوجوان‌ها را مورد آزار جنسی قرار داده است و زنان را برای ارائه یا فروش به نیروهای خود داده است. برخی از ساکنان مجتمع "خانک" در شهر دهوک واقع در شمال عراق اعلام کردند که گروه داعش بیش از ۲۰۰۰ دختر ایزدی را ربوده و اقدام به فروش برخی از آن‌ها کرده است.

### زنان در زندان "بادوش" و "تلعفر"

به گزارش ایسنا، به نوشته روزنامه الشرق الاوسط، برخی ایزدی‌های نجات یافته از دست گروه "دولت اسلامی" (داعش) در عراق در خصوص ربوده شدن هزاران دختر ایزدی و فروخته شدن آن‌ها توسط داعش اعلام کردند که مجتمع مسکونی "خانک" در شهر دهوک واقع در شمال عراق که متعلق به ایزدی‌ها بوده یکی از مجتمع‌های قدیمی است و در حال حاضر یکی از بزرگترین اردوگاه‌های آوارگان در شهر دهوک است و بیش از ۲۰۰۰ دختر ایزدی در این منطقه توسط داعش بازداشت شده‌اند که برخی از آن‌ها در زندان "بادوش" در موصل و بیشتر آن‌ها در شهر تلعفر هستند.

علی ایزدی که از ساکنان مجتمع خانک است، گفت: من تماس‌های تلفنی را با دو تن از دختران بازداشت شده ایزدی داشتم. یکی از این دختران ایزدی با استفاده از موبایلی که من توانستم به آن‌ها برسانم با عمویم تماس گرفت. وی گفت که با ۵۰۰ ایزدی دیگر از سنجار به زندان بادوش در موصل منتقل شده و داعش براساس سن آن‌ها اقدام به تقسیم بازداشت شدگان کرده است و کودکان، دختران و زنان ایزدی را در جاهای مختلف نگه می‌دارد.

علی ایزدی گفت: من با جوان دیگری در تلغفر نیز تماس گرفتم و وی گفت که ۱۳۱۰ زن زندانی در تلغفر هستند. همچنین یک شیخ ایزدی گفت: من تماسی با یکی از دوستانم در موصل داشتم و وی اعلام کرد که داعش منزلی را به دختران جوان ایزدی اختصاص داده و اقدام به جهاد نکاح می‌کند و همچنین برخی از آن‌ها را می‌فروشد و برخی شیخ‌های قبایل عرب آن‌ها را به خاطر آزاد شدن از داعش می‌خرند.

دختر ۱۳ ساله عراقی نیز گفت: داعشی‌ها دختر عمویم را که همسن من بود، ربودند. من بسیار ترسیدم چرا که می‌گویند داعش به زنان و دختران ایزدی تجاوز کرده و اقدام به فروش آن‌ها می‌کند. وی گفت: زمانی که صدای انفجار خمپاره‌ها در سنجار را شنیدیم همگی به سمت کوه‌های سنجار فرار و سه روز را بدون آب و غذا سپری کردیم تا اینکه پس از چهار روز از آنجا به شهر دهوک منتقل شدیم.

دلال، دختر ۱۸ ساله عراقی نیز گفت: داعش عمویم و زن عمو و کودکش را کشت. حسین یکی دیگر از ایزدی‌ها گفت: داعش زن، دختر و کودکانم را ربود و من الان از سرنوشت آن‌ها بی‌اطلاعم. سعاد ۲۲ ساله نیز گفت: گروهی از داعشی‌ها به دختر عمویم تجاوز کردند و وی در حال حاضر در بیمارستان است. محمد شیاع السودانی، وزیر حقوق بشر عراق، پیش از این در اوایل ماه اوت به نقل از آوارگان ایزدی گفته بود که حدود ۳۰۰ زن ایزدی توسط "دولت اسلامی" ربوده و به کنیزی گرفته شده‌اند. در همین حال جمعیت هلال احمر عراق اعلام کرد: گروه تروریستی داعش در راستای اقدامات خود زنان، زنان وابسته به طوایف مختلف را در بازارهای نینوا به عنوان کنیز به فروش می‌رساند. سخنگوی هلال احمر عراق در بیانیه‌ای تأکید کرد: عناصر داعش ده‌ها نفر از خانواده‌ها از قومیت‌های ترکمن، ایزدی و مسیحی را در فرودگاه تلغفر به اسارت گرفتند، سپس همه مردان آنان را به قتل رساندند و زنان ایزدی و مسیحی را به عنوان کنیز در یکی از بازارها به فروش گذاشتند.

خانم شکرالله پور یکی از فعالان حقوق زنان در مورد کم توجهی رسانه‌ها و کم تحرکی گروه‌های زنان در جهان نسبت به سرنوشت زنان دربند شبه نظامیان دولت اسلامی می‌گوید: "دقیقا! این مسئله واقعا ما را هم ناراحت کرده. برای ما هم خیلی سخت است. به خاطر اینکه در شرایطی که ما در قرن بیست و یکم هستیم این مسئله غیرقابل پیش‌بینی است که فمینیست‌هایی که برای هر مسئله‌ای عکس‌العمل نشان می‌دهند سکوت کرده باشند. مشکلی که الان برای زنان کرد ایزدی پیش آمده و مسیحی‌ها هم و فقط زنان کرد ایزدی نیستند... این عده‌ای که ما آمارشان را داریم شامل زنان مسیحی هم هست که در آن منطقه زیادند... اولاً انعکاس جهانی خیلی کم دارد. مثلاً فقط چند سایت انگلیسی مسئله را مطرح کرده‌اند. یکی دیگر این است که خیلی سخت است برای این که آن مناطق تحت نفوذ داعش است و مسئله دیگر هم که من با خیلی از روزنامه‌نگاران حتی سازمان‌های سیاسی کرد در آنجا تماس گرفتم هنوز جوابی نشنیدم. یعنی در این دو سه هفته خیلی تلاش کردیم ولی متأسفانه انعکاسش خیلی کم بوده است." شمار ایزدی‌ها را در سراسر جهان حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر تخمین می‌زنند. ایزدی‌ها یا ایزدیان، اقلیت مذهبی کردی هستند که در شمال عراق، سوریه، جنوب شرق ترکیه، قفقاز و ایران زندگی می‌کنند.



**کاهش قابل ملاحظه زنان در بازار کار**

**روزنامه دنیای اقتصاد** در گزارشی از کاهش قابل ملاحظه زنان در بازار کار طی سال‌های 84 تا 92 خبر داد. وی با استناد به آمارها تأکید کرده: در سال 1384 نزدیک به 3 میلیون و 961 هزار نفر از شاغلان کشور «زن» بوده‌اند، در حالی که در سال گذشته، این تعداد به حدود 3 میلیون و 145 هزار نفر رسیده است. موضوعی که حکایت از کاهش تقریباً 816 هزار نفری تعداد شاغلان زن در سال‌های اخیر دارد. به بیان دیگر به‌طور متوسط در هر سال، بیش از 100 هزار نفر از زنان شاغل در کشور از بازار کار کنار می‌روند.

\*\*\*

**انصار حزب‌الله: ۴۰۰۰ نفر را برای مبارزه با بدحجابی به خیابان می‌فرستیم — دوشنبه 15 سپتامبر 2014 - 24 شهریور 1393**

عبدالحمید محتشم تأکید کرده که اعضای گشت‌های ارشاد انصار حزب‌الله به زن‌های کم حجاب "تذکر زبانی" می‌دهند اما این تذکر "جدی و موثر" خواهد بود  
عبدالحمید محتشم، دبیر کل "انصار حزب‌الله"، اعلام کرد که این تشکل قصد دارد از هفته آینده ۴۰۰۰ نفر را برای مقابله با "بدحجابی" به خیابان‌ها بفرستد.  
آقای محتشم دوشنبه ۲۴ شهریور (۱۵ سپتامبر) در مصاحبه با وبسایت آریا کلیک گفت که این افراد، در قالب "گشت‌های ارشادی انصار حزب‌الله" و به‌طور "تمام عیار" وارد عمل می‌شوند و شامل ۳۰۰۰ زن و ۱۰۰۰ مرد خواهند بود.  
در واکنش به این اظهارات، عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور ایران به خبرگزاری ایلنا کلیک‌گفت: "هر فعالیت اجتماعی باید مبتنی بر قانون باشد" و وزارت کشور نیز "در این زمینه متناسب با اقدام‌های صورت گرفته رفتار خواهد کرد."  
به گفته دبیر کل انصار حزب‌الله این ۴۰۰۰ نفر، کسانی هستند که با پر کردن فرم برای حضور در چنین گشت‌هایی اعلام آمادگی کرده‌اند و پس از آن، توسط برخی روحانیون "به میزانی که لازم بوده توجیه شده‌اند."  
عبدالحمید محتشم افزوده که اعضای "گشت‌های ارشادی انصار حزب‌الله"، فاقد کارت شناسایی خواهند بود. وی در پاسخ به این سوال که مگر می‌شود افرادی بدون هویت مشخص در خیابان جلوی مردم را بگیرند گفته است: "در هر حرکتی ممکن است آسیب‌هایی هم باشد. در این مورد هم ممکن است آسیب‌هایی به وجود آید."  
آقای محتشم تأکید کرده که اعضای گشت‌های ارشاد انصار حزب‌الله به زن‌های کم حجاب "تذکر زبانی" می‌دهند اما این تذکر "جدی و موثر" خواهد بود.  
گروه انصار حزب‌الله، از اعضای تندروی نهادهای حکومتی مانند بسیج تشکیل شده است. این گروه، از دهه ۱۳۷۰، در فضای سیاسی و اجتماعی ایران فعال بوده است.

\*\*\*

**نرخ رشد اعتیاد زنان ۲ برابر شده است — اخبار روز - چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۳ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۴**

• معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور: جرم ۶۰ درصد زنان زندانی در ارتباط با مواد مخدر ارتباط است و بدون توجه به شرایط خانوادگی نمی‌توان معضل اعتیاد زنان را حل کرد ...  
معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور گفت: نرخ رشد اعتیاد در زنان دو برابر شده است.  
به گزارش مهر، شهیندخت ملاوردی روز چهارشنبه در هشتمین کنفرانس بین‌المللی دانش اعتیاد اظهار داشت: درگیری به مواد مخدر در مقایسه با مردان یک به ۱۰ است اما واقعیت این است که نرخ رشد اعتیاد در زنان بیشتر از مردان است و ما با پدیده تلسکوپی جمعیت زنان معتاد مواجه هستیم. وی ادامه داد: نرخ رشد زنان بیشتر از مردان است و گاهی به دو برابر می‌رسد. نرخ رشد اعتیاد زنان در سال ۸۵، پنج درصد بود که در سال ۹۰ به ۱۰ درصد افزایش یافت. معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور تأکید کرد: اعتیاد زنان به شدت وابسته به جریان کلی اعتیاد است و سیاست‌گذاری در حوزه اعتیاد زنان را نمی‌توان مجزا دانست.  
ملاوردی با اعلام اینکه موضوع اعتیاد زنان را نمی‌توان مانند گذشته دید، افزود: اعتیاد زنان در پس پرده نمی‌ماند و کم توجهی به این معضل جز عمیق شدن این زخم و دشوار شدن راه حل درمان چیز دیگری را در پی ندارد. وی با اشاره به وضعیت فرزندان مادر معتاد تأکید کرد: فرزندان مادر معتاد آسیب‌پذیرتر از فرزندان پدر معتاد هستند ضمن اینکه اعتیاد زنان باردار مخاطرات فراوانی را متوجه کودکان می‌کند.  
به گفته ملاوردی، امروزه به یک معتاد به شکل مجرم نگاه نمی‌شود و ما نیز باید تلاش کنیم در حوزه اعتیاد زنان تغییر رویکرد صورت گیرد تا ترس از خانواده و اجتماع فرایند درمان زنان معتاد را به تأخیر نیندازد. در حال حاضر کشور در حال گذار است و بروز برخی آسیب‌ها مثل اعتیاد در جوامع شهری اجتناب‌ناپذیر است.  
وی با اعلام اینکه زنان نخستین قربانیان آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی هستند، تأکید کرد: مهمترین آسیب، اعتیاد است و با توجه به نرخ رشد اعتیاد در زنان باید به این موضوع توجه شود. معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور با بیان اینکه نگرش به موضوع اعتیاد زنان زمان‌بر است افزود: نمی‌توان نگرش به اعتیاد زنان را به شکل دستوری تغییر داد.  
ملاوردی ادامه داد: پنهان بودن اعتیاد زنان نسبت به مردان به نگرش جامع‌بر می‌گردد و در حال حاضر نگاه به اعتیاد مردان از جرم‌انگاری تا حدودی به بیماری‌تئیر یافته است. متأسفانه وقتی به زنان معتاد برچسب اجتماعی زده می‌شود این موضوع مانع درمان اعتیاد آنها شده و مادر وقتی می‌خواهد به خاطر عشق و نجات فرزندان به سمت بهبودی برود نتواند به این فرایند تن دهد.

## برای همکاری با سازمان رهائی زن می‌توانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف تماس بگیرید

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: **فیروزه فرهی**

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: **دیانا نامی**

تلفن تماس: 00447862733511

ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: **مینو همتی**

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

استکهلم: **بری زارع**

تلفن تماس: 0046762308064

**رعنا کریم زاده**

تلفن تماس: 0046739286842

آدرس: ABF, Halndenterminalen 3

ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوئد: **سالار کرداری**

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: **آفاق وکیلی**

تلفن تماس: 0046762518188

ایمیل: [rahai\\_zan@yahoo.com](mailto:rahai_zan@yahoo.com)

آلمان: **شراره رضائی**

تلفن تماس: 004915210189801

ایمیل: [Shararehzaei.p@googlemail.com](mailto:Shararehzaei.p@googlemail.com)



تلوویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "ملت برد" هر هفته روزهای جمعه 17:30 به وقت

تهران و بازه‌نخ، شنبه 17:30 به وقت تهران می‌توانید بیننده تلویزیون رهائی زن باشید

فرکانس ماهواره:

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

میوه‌ستی از نوامبر سال 2004 به تهیه و تولید این برنامه پرداخته و مسایل و مشکلات زنان در ایران و خارج از

ایران را با میهمانان برنامه بحث می‌کند.